

Ident	تعیین هویت کردن - تشخیص دادن - تطبیق دادن - تطبیق
Identified	مشخص شده - تعیین هویت شده
Identic	همانند - همان
Identical	همانند - همان
Identical figures	اشکال همانند
Identically	عیناً - بطوریکسان
Identical sets	مجموعه‌های همانند
Identification	تشخیص - تعیین هویت
Identify	تشخیص دادن - تعیین هویت کردن - همانند کردن - همانند شدن
Identity	اتحاد - همانندی
Identity element	عضوختی - عضوی اثر
Identity function	تابع همانی - تابع بی اثر - تابع $\phi: X \rightarrow X$ را که در آن $X$ مجموعه‌ای دلخواه است، تابع همانی مجموعه گویند هرگاه $\forall x \in X \Rightarrow \phi(x) = x$
Identity mapping	نگاشت همانی
Identity matrix	ماتریس همانی - ماتریس واحد - ماتریس یکه
Identity operation	عمل همانی
Identity relation	رابطه همانی - نسبت همانی
Identity theorem for analytic functions	قضیه اتحاد برای توابع تحلیلی
Identity theorem for power series	قضیه همانی برای سری‌های توانی
Identity transformation	تبدیل همانی
ie=that is	یعنی ( مخفف کلمات یونانی Id est )
Idle	بیهوده
Idler	چرخ هرزه کرد
If and only if	اگر و تنها اگر
If clause	عبارت شرطی - جزء شرطی جمله
If statement	عبارت شرطی
If.....then	اگر..... آنگاه
Ignore	چشم پوشی کردن - نادیده گرفتن
Illustrate	با مثال توضیح دادن - مهور کردن
Illustration	مثال - تصویر
Illustrative	روشنگر - گویا - توضیح دهنده

I نهمین حرف الفبای انگلیسی

Icon	تصویر - شکل
Icosa	بیست
Icosahedron	بیست وجهی
Icosi	پیشوندی به معنی بیست و بیست تایی
Idea	انگاره - تصور - اندیشه
Ideal	ایده آل - دلخواه - خیالی - آرمانی
Ideal line	خط ایده آل - خط فرضی که هر نقطه آن یک نقطه ایده آل است.
Ideal point	نقطه ایده آل - نقطه فرضی که روی تمامی خطوط یک دسته خطوط موازی قرار دارد.
Ideal spanned by a set	ایده آل بوجود آمده توسط یک مجموعه
Idealize	بصورت ایده آل درآوردن - دلخواه سازی
Idea of the proof	نحوه اشیا
Ideate	تصور کردن
Idempotence	خودتوانی
Idempotent	خود توان
Idempotent law	قانون خودتوانی

Image	تصویر - تصویر کردن	Imperfection	نقص
Image of x under F	تصویر x تحت F	Imperfectly	بطور ناقص
Imaginary	موهومی - انگاری - تصویری	Impermeable	ناضراوا - غیر قابل نفوذ
Imaginary axis	محور موهومی	Implement	انجام دادن - فراهم نمودن
Imaginary circle	دایره موهومی - دایره ای که دارای شعاع موهومی باشد مثلاً "دایره"	Implementation	انجام - اجرا
$(x-a)^2 + (y-b)^2 + R^2 = 0$		Implication	ایجاب - استلزام - ضرورت
Imaginary curve	منحنی موهومی	Implicit	ضمنی
Imaginary function	تابع موهومی	Implicit differentiation	مشتق گیری ضمنی
Imaginary line	خط موهومی	Implicit function	تابع ضمنی
Imaginary number	عدد موهومی	Implicit function theorem	قضیه تابع ضمنی
Imaginary part	جزء موهومی - قسمت موهومی	Implicit relation	رابطه ضمنی
Imaginary part of a complex number	جزء موهومی عدد مختلط	Imply	تلقیحا "فهماندن یا دلالت کردن بر - اشاره داشتن بر - دربرداشتن"
Imaginary point	نقطه موهومی	Important	مهم - قابل ملاحظه - چشمگیر
Imaginary quantity	کمیت موهومی	Important identity	اتحاد مهم
Imaginary roots	ریشه های موهومی	Impossibility	عدم امکان
Imaginary unit	یکه موهومی - واحد موهومی	Impossible	ناممکن - غیر ممکن - محال - ممنوع
عدد مختلط $i = (0+1i)$ را که $i^2 = -1$ است یکه موهومی می نامند.		Improbability	عدم احتمال
Imagination	تصور - قدرت خلاقه - قدرت مقابله با مسائل	Improbable	غیر محتمل - بعید
Imaginative	فرضی	Improper	ناویژه - ناسره
Imaginatively	تصوراً - بطور تصویری	Improper fraction	کسر نامناسب - کسری که صورتش از مخرجش کمتر نباشد.
Imagine	تصور کردن - انگاشتن	Improper integral	انتگرال ناویژه
Imbed	معاط کردن - فرو کردن - جاسازی کردن	Improper integral of the first	انتگرال ناویژه نوع اول
Immaterial	غیر مادی - ناچیز - جزئی	Improper integral of the second kind	انتگرال ناویژه نوع دوم
Immeasurable	اندازه ناپذیر	Improper Riemann integral	انتگرال ناویژه ریمان
Immediate	فوری - بلافاصله - بلافاصل	Improper transformation	تبدیل ناویژه - تبدیل پراستقامدی نامیم هرگاه
Immediate predecessor	مقدم بلافاصل	$pp^T = I$	
Immediate successor	تالی بلافاصل	$(p^T \text{ ترا نهاده } p \text{ است } \cdot)$ تبدیل متعامد	
Immense	بی اندازه - بی کران	$p$ را ناویژه گویند هرگاه	
Immensely	بطور بی اندازه - خیلی	$\det p = -1$	
Immensity	بی کرانی - زیادی	Improve	بیشرفت کردن - بهتر کردن و بهتر شدن
Immersion	غوطه وری	Improvement	بیشرفت - بهبود
Immoderate	بیش از حد - افراطی	Impulse	تحریک - برانگیزش
Immutable	تغییرناپذیر	Impure	ناخالص
Immutability	تغییرناپذیری		
Immutably	بطور تغییرناپذیر		

Impurity	ناخالصی	Inclinometer	شیب سنج
In	در - درون	Include	شامل شدن - دربرداشتن - شامل بودن
Inaccessible	غیرقابل دسترس	Including	شامل
In accordance with	به موجب	Inclusion	شمول
Inaccuracy	عدم دقت - بی دقتی	Inclusion and exclusion principle	اصل رد و قبول
Inaccurate	نا درست - غیردقیق	Inclusion relation	رابطه، شمول
Inaccurately	بدون دقت	Inclusive	شامل - مشمول
In addition to	بعلاوه	Inclusive "or"	یا به معنی منطق
Inadequacy	نا رسانی - بی کفایتی - عدم تکافو	Incommensurability	بیان ناپذیری طولهای دو پاره خط بوسیله اعداد گویا نسبت به هم مقیاس طول
Inadequate	نا کافی	Incommensurable	بی مقیاس مشترک - نامتوافق - دو پاره خط را متوافق مینامیم هرگاه با انتخاب یک واحد مناسب هر دو را بتوان بوسیله اعداد گویا بیان کرد.
Inalienable	انتقال ناپذیر	Incommutable	تعمویش ناپذیر - جا بجایی ناپذیر - غیر جا بجایی
Inalienably	بطور انتقال ناپذیر	Incomparable	قیاس ناپذیر - بی قیاس - ناسنجیدنی
Inappreciable	ناچیز - بی بها	Incompatibility	ناسازگاری
Incalculability	محاسبه ناپذیری	Incompatible	ناسازگار - ناهمساز - متناقض
Incalculable	محاسبه نشدنی - غیرقابل محاسبه	Incomplete	ناقص - ناتمام
Incandescence	افروختگی - گداختگی	Incomplete Gamma functions	توابع گامای ناقص
Incandescent	فروزان - گداخته - تابان	Incompletely specified	بطور ناقص تعیین شده
Incenter	مرکز دایره - محاطی داخلی مثلث - مرکزگروه، محاطی داخلی چهاروجهی	Inconceivable	غیرقابل تصور - غیرقابل فهم
Incenter of triangle	مرکز دایره محاطی داخلی مثلث	Inconsiderable	بی اهمیت - ناچیز - جزئی
Inch	اینچ، واحد طول انگلیسی که تقریباً ۲/۵۴ سانتیمتر است	Inconsistency	ناسازگاری - نهاین
Incidence	حدوث - وقوع - برخورد - تلاقی	Inconsistent	ناسازگار - نامتوافق - متناقض
Incident	واقعه - حادثه	Inconsistent equations	معادلات ناسازگاری
Incidentally	اتفاقاً	Inconvertible	تبدیل ناپذیر
Incircle of triangle	دایره محاطی داخلی مثلث	Incorporate	یکی کردن - تلفیق کردن
Inclinable	نمایل پذیر	Incorporation	تلفیق - ترکیب
Inclination	میل - شیب - نمایل	Incorrectness	نا درستی
Inclination of a line in a plane	شیب یک خط واقع در صفحه	Increasable	قابل افزایش - افزایش پذیر
Inclination of a line in space	شیب خط در فضا - شیب یک خط فضایی	Increase	صعود کردن - صعود کردن - افزایش یافتن - افزایش
Inclination of a plane	شیب یک صفحه	Increasing	صعودی - افزایشی
Inclinator	نمایل - نمایل پذیر	Increasing function	تابع صعودی
Incline	شیب دادن - منحرف شدن - متمایل کردن	Increasing mapping	نگاشت صعودی
Inclined	مورب - شیب دار		
Inclined plane	سطح شیب دار - سطح نمایل		

Increasing sequence	رشته صعودی - دنباله صعودی	Indeterminate	میهم - نامعین - نامشخص
Increase	افزایش	Indeterminate equation	معادله سیالیه
Increment	نمو - رشد	Indeterminate forms	صورتا معین - صور میهم
Incremental	نموی - افزایشی	Indeterminate quantity	کمیت میهم
Incremental compiler	همگردان نموی	Indeterminate system	دستگاه میهم
Incremental data	داده‌های نموی - داده‌های افزایشی	Indetermined	میهم - نامعین
Increment of a function	بمویک تابع	Index	اندیس - زیرنویس شاخص - فرجه فهرست - اندیس گذاشتن - زیرنویس گذاشتن
Increment of a variable	بمویک متغیر	Index of a permutation	شاخص یک جایگشت
Increment of $x(\Delta x)$	نمو $x$	Index of radical	فرجه رادیکال
Incurvate	بداخل خمیده - بداخل خمیدن	Index set	مجموعه اندیس
Incurvation	بداخل خمیدگی	Indicate	نشان دادن - ذکر کردن - اشاره کردن - مشخص کردن
Indefinable	غیرقابل تعریف	Indication	نشان - اشاره - دلالت - نشانه
Indefinite	نامعین - نامشخص	Indicator	شاخص - معرف - نشانگر
Indefinite description	توصیف نامعین	Indicator of an integer	معرف یک عدد صحیح
	شرح نامشخص	Indicatrix	اندیکاتور
Indefinite integral	انتگرال نامعین	Indices	اندیسها - زیرنگاشتها - زیرنویسها
Indefinitely	بطور نامعین	Indirect	غیرمستقیم
Indefiniteness	ابهام	Indirect control	کنترل غیرمستقیم
Indefinite number	عدد نامعین	Indirect differentiation	مشتق گیری غیرمستقیم
Indefinitiveness	ابهام		
Indent	کنگروه دار کردن - دنداندار کردن	Indirect jump	جهش غیرمستقیم
Indentation	کنگروه - دندان	Indirect measurement	اندازه گیری غیرمستقیم
Indented	کنگروه دار - دنداندار	Indirect method	روش غیرمستقیم
Independence	استقلال - نوابستگی	Indirect proof	اثبات غیرمستقیم
Independent	مستقل - نوابسته	Indiscernibility	ناگسستگی
Independent equations	معادلات مستقل	Indiscernible	گسسته نشدنی
Independent event	پیش آمد مستقل	Indiscrete	ناگسسته
Independent functions	توابع مستقل	Indiscrete topology	توپولوژی ناگسسته
Independent of the path	مستقل از مسیر	Individual	فرد - فردی
Independent set	مجموعه مستقل	Individual variable	متغیر فردی
Independent set of functions	مجموعه مستقل توابع	Indivisible	بخشناپذیر - غیرقابل تقسیم - تقسیم نشدنی
Independent trials	آزمایشهای مستقل	Indivisibility	بخشناپذیری
Independent variable	متغیر مستقل	Induce	انگیختن - القاء کردن - موجب شدن
Indestructibility	بناپذیری - فنا ناپذیری - استواری	Induced	القاء شده - انگیخته
Indestructible	فنا ناپذیر - تخریبناپذیر	Induced operation	عمل القاء شده
In detail	با ذکر جزئیات - بتفصیل	Induced order	ترتیب القاء شده
Indeterminacy	ابهام		

Induced ordering relation	نسبت ترتیبی القاء شده	Infinite decimal fraction	کسری اعشاری نامتناهی
Induced relation	رابطه، القاء شده	Infinite decimal representation	نمایش اعشاری نامتناهی
Inducement	موجب - القاء - انگیزش	Infinite descent	نزول نامتناهی
Induct	هدایت کردن - القاء کردن	Infinite dimensional	با بعد نامتناهی - نامتناهی البعد
Inductance	خودالقاشی - خودالقاء	Infinite dimensional space	فضای با بعد نامتناهی - فضای نامتناهی البعد
Induction	استقراء	Infinite discontinuity	ناپیوستگی نامتناهی
Induction mathematics	ریاضیات استقرائی	Infinite group	گروه نامتناهی
Induction principle	اصل استقراء	Infinite integral	انتگرال نامتناهی
Induction property	خاصیت استقراء	Infinite interval	فاصله نامحدود
Inductive	استقرائی	Infinite limits	حدود نامتناهی
Inductive assumption	فرض استقرائی	Infinite point	نقطه نامتناهی
Inductive definition	تعریف استقرائی	Infinite product	حاصلضرب بی پایان
Inductive hypothesis	فرض استقرائی	Infinite product of topological spaces	حاصلضرب بی پایان فضای توپولوژیک
Inductive proof	اثبات استقرائی	Infinite root	ریشه بینهایت
Inductive set	مجموعه استقرائی	Infinite sequence	دنباله نامتناهی - رشته نامتناهی
Inductor	القاء کننده - سلف	Infinite series	سلسله های نامتناهی - سری های نامتناهی
Inequal	نامساوی - نابرابر	Infinite set	مجموعه نامتناهی
Inequality	نامساوی - نابرابری - عدم تساوی	Infinite small quantity	کمیت بینهایت کوچک
Inequilateral	مختلف الاضلاع	Infinite topology	توپولوژی نامتناهی
Inequivalence	ناهم ارزی	Infinately	بی نهایتا
Inertia	اینرسی - ماند	Infinately differentiable	بینهایت بار مشتقپذیر
Inertial	جبری - خاصیت جبری - قوه جبری	Infinately great	بینهایت بزرگ
Inessential	غیرضروری - غیراساسی	Infinately great quantity	کمیت بینهایت بزرگ
Inexact	نادقیق	Infinately large	بینهایت بزرگ
Inextensibility	انحساط ناپذیری	Infinately many times	بینهایت بار
Infer	استنتاج کردن - استنباط کردن - بی بردن به - حدس زدن - اشاره کردن به استنتاج	Infinately small	بینهایت کوچک
Inference	استنتاج	Infinately small quantity	کمیت بینهایت کوچک
Inferior	پائینی - اسفل	Infinitesimal	بینهایت کوچک
Inferior limit	حداسفل - حدپائینی	Infinitesimal analysis	آنالیز بینهایت کوچکها
Inferior point	نقطه اسفل - نقطه پائینی		
Infimum	اینفیموم - بزرگترین کرانه پائینی		
Infinite	بی پایان - نامتناهی - بینهایت		
Infinite branch of a curve	شاخه نامحدود یک منحنی		
Infinite cardinal number	عدداصلی نامتناهی		
Infinite collection	مجموعه نامتناهی - کلکسیون نامتناهی - گردآیه نامتناهی		

Infinitesimal calculus	حساب بینهایت کوچکها	Informer	آگاهگر - مخبر - خبردهنده
Infinitesimals	بینهایتها	Infra	مادون - پائین
Infinitude	حالت یا کیفیت نامتناهی بودن - لایتناهی - عدد بینهایت - کمیت غیرشمارش پذیر	Infra-red	مادون قرمز
Infinity	بینهایت	In general	بطور کلی
Infinity in $\mathbb{C}$	بینهایت در دستگاه اعداد مختلط منبسط	Ingredient	جزء - جزء ترکیبی - [در جمع] اجزاء - عوامل - عناصر
Infinity in $\mathbb{R}$	بینهایت در دستگاه اعداد حقیقی منبسط	Inheritance	میراث
Infix	میانبند	Inhibit	جلوگیری کردن - نهی کردن
Inflection (inflexion)	عطف - خمش - خمیدگی	Inhibition	منع - جلوگیری
Inflectional	عطفی	Inhomogeneity	نا همگنی
Inflectional tangent to a curve	مماس بر منحنی در نقطه عطف	Inhomogeneous	نا همگن - غیر همگن
Inflection point	نقطه عطف	Initial	آغازی - ابتدائی - بدوی - نخستین - اولیه
Inflexible	غیر قابل انحناء - خم نشدنی	Initial and terminal lines	خطوط آغازی و پایانی
Inflexion	عطف - تغییر انحناء	Initial conditions	شرایط آغازین - شرایط ابتدائی
Inflexion point	نقطه عطف	Initially	در آغاز - در ابتدا - ابتدا
Influence	اثر	Initial point	نقطه ابتدائی - نقطه آغاز
Inform	آگاه ساختن - مطلع کردن	Initial state	حالت آغازی
Informatics	آنفورماتیک - خودکاری آگاهانه	Initial value	مقدار اولیه
Information bits	ذره های اطلاعات	Initial - value problem	مسئله مقدار اولیه
Information content	مضمون اطلاعات	Initial velocity	سرعت اولیه
Information feedback	بازگشت اطلاعات - بازخور اطلاعات	Initiate	آغاز کردن - برآوردن
Information flow	گردش اطلاعات - جریان اطلاعات	In itself	بخودی خود
Information interchange	تبادل اطلاعات	Injection	انژکسیون - تابع یک به یک
Information link	پیوند اطلاعات - بهم پیوستن اطلاعات	Injective	انژکتیو - یک به یک
Information processing	پردازش داده ها	Inner	داخلی - درونی
Information retrieval	بازیابی اطلاعات - دوباره بدست آوردن اطلاعات	Inner measure	سنج درونی
Information source	منبع اطلاعات	Inner product	حاصلضرب داخلی - ضرب داخلی
Information system	دستگاه اطلاعات		اگر
Informatique	آنفورماتیک - خودکاری آگاهانه		
Informed	آگاه - مطلع - باخبر		

$$\vec{a} = x\vec{i} + y\vec{j} + z\vec{k}$$

$$\vec{b} = u\vec{i} + v\vec{j} + w\vec{k}$$

آنگاه حاصلضرب داخلی بردارهای  $\vec{a}$  و  $\vec{b}$  عبارتست از:

$$\vec{a} \cdot \vec{b} = xu + yv + zw$$

حاصلضرب داخلی مجموعه ها

Inner product of two vectors

ضرب داخلی دو بردار

Inner product space	فضای حاصلضرب داخلی - فضای ضرب داخلی	Integrable	انتگرال پذیر
Inner region	ناحیه داخلی	Integrable differential equation	معادله دیفرانسیل انتگرال پذیر
Innovate	نوآوری کردن	Integrable function	تابع انتگرال پذیر
Innovation	نوآوری - ابداع	Integrability	انتگرال پذیری
Innumerable	بیشمار	Integral	انتگرال - صحیح - تام - تمام - کامل
Innumerably	بطور بیشمار	Integral calculus	حساب انتگرال - حساب جامعه
Innumerable	بیشمار	Integral curves	منحنی های انتگرال
Input	ورودی		منحنی های جواب یک معادله دیفرانسیل
Inradius	شعاع دایره یا کره، محاطی	Integral depending on a parameter	انتگرال وابسته به یک پارامتر
Inscribable	قابل محاط - محاط شدنی	Integral domain	حوزه صحیح - میدان درسته
Inscribe	محاط کردن	Integral equation	معادله انتگرال
Inscribed	محاطی - محاط شده - محاط	Integral function	تابع نام - تابع صحیح
Inscribed angle	زاویه محاطی	Integral index	اندیس صحیح
Inscribed circle	دایره محاطی	Integrally	بطور کلی
Inscribed circle of a triangle	دایره محاطی یک مثلث	Integral number	عدد صحیح
Inscribed circle of a polygon	دایره محاطی یک چندضلعی	Integral of the second kind	انتگرال نوع دوم
Inscribed polygon	چندضلعی محاطی	Integral of the third kind	انتگرال نوع سوم
Inseparable	جدا ناشدنی	Integral part	جزء صحیح
Insert	درج کردن - جا بگزین کردن	Integral power	توان صحیح - قوه صحیح
Insertion	درج - جا بگزینی	Integral representation	نمایش انتگرالی
Inside	داخل - درون - تو	Integral root	ریشه صحیح
In some areas	در پاره ای موارد	Integral symbol ( $\int$ )	علامت انتگرال
Instalment	قسط	Integral test	آزمون انتگرال
Instant	دم - لحظه - آن -	Integral test for convergence	آزمون انتگرال برای همگرایی
Instantaneous mean	میانگین لحظه ای	Integral transforms	تبدیلات انتگرالی
Instantaneous rate	نسبت لحظه ای - نرخ لحظه ای	Integral value	مقدار صحیح
Instantaneous rate of change	میزان لحظه ای تغییر - نرخ لحظه ای تغییر	Integral with respect to x	انتگرال نسبت به x
Instantaneous velocity	سرعت لحظه ای	Integrand	تابع زیر انتگرال
Instead	بجای	Integrand	مکمل - جزء یکپارچه - مؤلفه - عنصر
Instead of	بجای - در عوض	Integrating	انتگرال گیری
Insulate	مجزا کردن - جدا کردن	Integrating factor	فاکتور انتگرال
Insulation	جدا سازی	Integration	انتگرال گیری
In summary	بطور خلاصه		
Integer	عدد صحیح - عدد درست		
Integer number	عدد صحیح		
Integer part	قسمت صحیح		

Integration by parts	انتگرال گیری جزء به جزء	Interior of a set	درون یک مجموعه
Integration by partial fraction	انتگرال گیری با استفاده از کسرهای جزئی	Interior point	نقطه درونی - نقطه داخلی
Integration by substitution	انتگرال گیری بوسیله تغییر متغیر	Interior region	ناحیه درونی
Integration by use of series	انتگرال گیری با استفاده از سری ها	Interjacent	میانی - واقع در میان
Integration factor	عامل انتگرال گیری	Intermediate-value theorem	قضیه مقدار میانی
Integrator	انتگراتور	Intermittent	متناوب
Integri	تمام - کامل	In terms of	بر حسب
Integro differential equation	معادله انتگرال دیفرانسیل	Internal	داخلی - درونی
Intense	شدید - متمرکز	Internal angle	زاویه داخلی
Intensity	شدت - تمرکز	Internal angle bisector	نیمساز زاویه داخلی
Intensive	متمرکز - متوجه به یک نقطه - شدید	Internal bisector	نیمساز داخلی
Intensive lines	خطوط شدیداً متمرکز	Internal common tangent	مماس مشترک داخلی
Inter	بین - میان - در میان قرار دادن	Internal composition law	قانون ترکیب درونی
Interaction	فعل و انفعال - اندرکنش - اثر متقابل	Internal-external angles	زوایای داخلی - خارجی
Interalia	میان چند چیز دیگر	Internal operation	عمل داخلی
Intercept	بازداشتن - حائل شدن - جلوگیری کردن - محدود شدن بین دو نقطه، دو منحنی یا دو سطح.	Internal tangent of two circles	مماس مشترک داخلی دو دایره
Intercept elevation	عرض از مبدأ	Interpolate	درون یابی کردن - واسطه یابی کردن
Interceptor	بازدارنده - حائل	Interpolation	درون یابی - درون پوش - واسطه یابی
Interception	برش - انقطاع - فصل - جلوگیری	Interpret	تعبیر کردن - تفسیر کردن
Interceptor	بازدارنده - حائل	Interpretation	تعبیر - تفسیر
Interchange	معاوضه - مبادله - معاوضه کردن - مبادله کردن	Interquartile	بین چارکها - میان چارکی
Interest	بهره - تنزیل - سود	Interquartile range	حوزه میان چارکی
Interfere	مداخله کردن	Interrupt	ایجاد وقفه کردن
Interference	تداخل ( امواج )	Interruption	انقطاع - وقفه
Interior	داخلی - درونی - داخل - درون	Intersect	برخوردن - قطع کردن - متقاطع بودن - اشتراک داشتن - قطع کردن
Interior angles	زوایای داخلی	Intersecting	متقاطع
Interior common tangent	مماس مشترک داخلی	Intersection	تقاطع - مقطع - فصل مشترک - اشتراک
Interior measure	سنج داخلی - اندازه داخلی	Intersection of planes	تقاطع صفحات
		Intersection of relations	اشتراک روابط - مقطع روابط
		Intersection of sets	مقطع مجموعه ها - اشتراک مجموعه ها



Intersection of two lines تقاطع دوخط  
 Interspace فاصله - حائل - جدا باختن  
 Interspatial میان فضائی  
 Interstice فضای واقع بین اشیا نزدیک بهم  
 Interstitial مربوط یا واقع در فضای  
 یا اشیا نزدیک بهم  
 Interval فاصله - بازه  
 Intervallic فاصله‌ای  
 Interval of constancy فاصله تغییرناپذیری  
 Interval of convergence فاصله همگرایی  
 Interval of integration فاصله انتگرال گیری  
 Into به تو - غیرپوشا  
 Into mapping نگاشت غیرپوشا  
 Intra داخل - در طی - پیشوندی بمعنی داخل - تو  
 Intrinsic ذاتی - باطنی  
 Intrinsic equations of a space curve معادلات ذاتی یک منحنی فضائی  
 Intrinsic geometry هندسه ذاتی  
 Intrinsic properties of a curve خصوصیت ذاتی منحنی  
 Introduce معرفی کردن - آشنا کردن - مطرح کردن  
 Introduction مقدمه - پیش گفتار - دیباچه  
 Introductory مقدماتی  
 Intuition درک مستقیم - دریافت ناگهانی - بصیرت - بینش - شهود - اشراق  
 Intuitionism شهودگرایی  
 Intuitionistic شهودی - ادراکی - اشراقی  
 Intuitionistic mathematics ریاضیات شهودی  
 Intuitive دریاغتی - شهودی - ادراکی  
 Intuitively بطور شهودی  
 Intuitive principle of abstraction اصل شهودی تجرید  
 Invalid نادرست - ناکافی - ضعیف  
 Invalidity عدم اعتبار - بی اعتباری  
 Invariable تغییرناپذیر - نامتغیر - ثابت - پایا  
 Invariance پایائی - استواری - تغییرناپذیری  
 Invariance under translation ..... پایائی تحت انتقال  
 Invariant پایا - پایدار - تغییرناپذیر - نامتغیر

Invariant direction امتداد پایا -  
 امتداد تغییرناپذیر  
 Invariant subgroup زیرگروه پایا -  
 زیرگروه تغییرناپذیر  
 Invariant vector بردار پایا -  
 بردار تغییرناپذیر  
 Invent اختراع کردن - جعل کردن - ابداع کردن  
 Inventive اختراعی - ابداعی  
 Inventor مخترع - جاعل  
 Inverse معکوس - عکس - وارون - فرینه  
 Inverse element عضو معکوس - عنصر وارون  
 Inverse formula فرمول معکوس  
 Inverse formula for Fourier transforms فرمول معکوس برای تبدیلات فوریه  
 Inverse function تابع معکوس - تابع وارون  
 Inverse function theorem قضیه تابع معکوس  
 Inverse hyperbolic functions توابع هذلولوی معکوس - توابع معکوس هیپربولیک  
 Inverse image تصویر معکوس  
 Inverse image of ... under تصویر معکوس ..... تحت  
 Inverse logarithm لگاریتم معکوس  
 Inverse mapping نگاشت وارون  
 Inverse of a function معکوس یک تابع  
 Inverse of a proposition نفی یک گزاره  
 Inverse operation عمل معکوس  
 Inverse proportion تناسب معکوس  
 Inverse ratio کسر معکوس - نسبت معکوس  
 Inverse relation رابطه معکوس - نسبت معکوس  
 Inverse transformation تبدیل معکوس  
 Inverse trigonometric functions توابع مثلثاتی معکوس  
 Inversely برعکس - بطور معکوس  
 Inversely proportional معکوسا "متناسب  
 Inversely similar معکوسا "متشابه  
 Inversion قلب - انعکاس - وارونی  
 Inversion formulas فرمولهای انعکاس  
 Inversion formula for Fourier transform فرمول معکوس برای تبدیل فوریه

Inversion formula for Laplace transform  
 فرمول معکوس برای تبدیل لاپلاس

Invert وارون کردن - معکوس کردن -  
 عکس کردن معکوس

Inverted معکوس شده - عکس شده

Inverted transform تبدیل وارون

Inverter عکس کننده

Invertibility وارون پذیری

Invertible وارون پذیر - معکوس شدنی

Investigate پژوهیدن - با زحوشی کردن  
 واری کردن - تحقیق کردن

Investigation پژوهش - مطالعه - بررسی

Investigator پژوهشگر - محقق - با زجو

Invisible نامرئی

Invoice صورت حساب

Involute گسترده

Involute curve منحنی گسترده

Involute of a space curve گسترده، یک منحنی فضائی

Involute of a surface گسترده، یک سطح

Involute of the circle گسترده، یک دایره

Involve شامل شدن - متضمن بودن -  
 ایجاد کردن - مستلزم بودن

Inward درونگرا - بطرف داخل

Inward vector بردار درونگرا

Irrationable نامناسب - نامستدل

Irrational اصم - گنگ

Irrational algebraic surface سطح جبری گنگ

Irrational equation معادله اصم

Irrational exponent نمای گنگ - توان گنگ

Irrationality گنگی

Irrational number عدداصم - عددگنگ

Irrational root ریشه اصم

Irreducibility کاهش نا پذیری - تحویل نا پذیری

Irreducible ساده نشدنی - تحویل نا پذیر -  
 تجزیه نا پذیر - کاهش نیافتنی

Irreducible form صورت تحویل نا پذیر - صورت ساده نشدنی

Irreducible polynomial چند جمله ای تحویل نا پذیر

Irreducible radical رادیکال تحویل نا پذیر

Irreflexive ضد انعکاسی - ضدازناسی

Irregular بی قاعده - غیرعادی - نامنظم

Irregular permutation جایگشت نامنظم

Irregular polygon چندضلعی غیرمنتظم

Irregular surface سطح نامنظم

Irremovable انتقال نا پذیر

Irremovable discontinuity ناپیوستگی رفع ناشدنی

Irrotational بیچرخش - غیرچرخشی

... is contained in ... در ... جای دارد ... محتوای ... است .

Isochronous همزمان

Isochronous curve منحنی همزمان

Isoclinal هم شیب - هم شیبی

Isocline هم شیب

Isodiametric متساوی القطر

Isogonal هم زاویه - دارای زاویه های برابر

Isogonal line خط فرضی ویاخطی برروی نقشه،  
 جغرافیائی که نقاطی برروی سطح کره زمین با  
 انحراف مغناطیسی یکسان را بهم وصل می کند .

Isogonal transformation تبدیل حافظ زاویه

Isogonic متساوی الزوایا

Isolate جدا کردن - مجزا کردن

Isolated منزوی - منفرد - جدا - تنها

Isolated point نقطه منزوی - نقطه جدا

Isolated real root ریشه حقیقی منفرد -  
 ریشه حقیقی منزوی

Isolated set مجموعه منفرد - مجموعه ای  
 که شامل هیچیک از نقاط جمعش نباشد .

Isolated singularity نقطه منفرد مجزا

Isolated zero صفر منفرد

Isolation تنهایی - انفراد

Isomer هم ترکیب - هم فرمول - ایزومر

Isomerism	هم ترکیبی - هم فرمولی	Isothermal lines	خطوط هم دما
Isometric	هم مقیاس - ایزومتریک	Isothermic	هم دما
Isometric projection	تصویر هم مقیاس	Isothermic family of curves on a surface	دسته منحنی های هم دمای روی یک سطح
Isometry	تبدیل حافظ طول	Isothermic system of curves on a surface	دستگاه منحنی های هم دمای روی یک سطح
Isomorph	هم ریخت - همان - ایزومورف	Isotone	اتمهای که هسته آنها حاوی - تعدادی مساوی نوترون باشند.
Isomorphic	هم ریخت - همان - ایزومورفیک	Isotrope	متعدالخواص - ایزوتروپ
Isomorphism	هم ریختی - همسانی - ایزومورفیسم	Isotropic	همگن
Isomorphism of fields	هم ریختی هشت ها - ایزومورفیسم میدان ها	Istropic curve	منحنی همگن - منحنی ایزوتروپ
Isomorphism of groups	هم ریختی گروهها - ایزومورفیسم گروهها	Isotropic plane	صفحه ایزوتروپ - صفحه ای که تمام نقاط آن دارای یک خاصیت فیزیکی باشند.
Isomorphism of ordered sets	ایزومورفیسم مجموعه های مرتب - هم ریختی مجموعه های مرتب	Isotropy	ایزوتروپی - متعدالخواصی
Isomorphism of rings	هم ریختی حلقه ها - ایزومورفیسم حلقه ها	Issue	انتشار دادن - ناشی شدن - صادر شدن - موضوع - شماره - عمل - نتیجه بحث
Isomorphous	هم ریخت - هم شکل - همان	Item	فهره - بخش - قلم
Isomorphy	ایزومورفی - هم ریختی	Itemize	قلم بقلم نوشتن - تجزیه و تحلیل کردن - جز به جز مشخص کردن
Isoperimetric	هم پیرامون - مساوی محیط	Iterate	تکرار کردن
Isoperimetrical	مساوی محیط - هم پیرامون	Iterated	مکرر
Isoperimetric inequality	نامساوی هم پیرامونی	Iterated integral	انتگرال مکرر
	اگر A مساحت یک منحنی مسطحه بسته و $A \leq \frac{1}{4\pi} l^2$ پیرامون آن باشند آنگاه	Iterated integration	انتگرالگیری مکرر
	مساوی محیط در حالتی برقرار است که منحنی دایره باشد.	Iterated limit	حد مکرر
Isoperimetric problem	مسئله هم پیرامونی :	Iterated series	سری های مکرر - سلسله های مکرر
	در بین تمام اشکال سطح هم پیرامون دایره بیشترین مساحت را داراست و در بین کلیه احجام که سطح کل آنها مساوی است کره دارای بیشترین حجم است.	Iteration	تکرار
Isosceles	مساوی الساقین	Iterative	تکراری
Isosceles trapezoid	ذوزنقه مساوی الساقین	Iterative method	روش تکراری
Isosceles triangle	مثلث مساوی الساقین		
Isothere	ایزوترو - منحنی واقع روی نقشه جغرافیایی سطح زمین که تمام نقاط آن دارای میانگین حرارت نامتناهی یکسان باشند		
Isothermal	هم دما		
Isothermal conjugate system of curves on a surface	دستگاه مزدوج منحنی های هم دما روی یک سطح		

Jointly	مشترکا " - توأم ما "
Jointly distributed	مشترکا " توزیع شده "
Joint probabilities	احتمالات توأم م احتمالات مشترک
Jordan arc	قوس ژردان - کمان ژردان
Jordan content	محتوای ژردان
Jordan curve	منحنی ژردان - منحنی هرتابع یک به یک از فاصله واحد $[0, 1]$ بداخل صفحه دو بعدی اقلیدسی ، یعنی هر منحنی با معادلات پارامتری

$y(0)=y(1), x(0)=x(1) \quad 0 < t < 1 \quad x=x(t), y=y(t)$   
را منحنی ژردان گویند. از آنجا که این تابع یک به یک  
است منحنی نمی تواند خود را قطع کند.

Jordan curve theorem - قضیه منحنی ژردان -  
این قضیه امری بدیهی را ثابت میکند که هر  
منحنی ساده بسته در صفحه ، صفحه را به دو  
ناحیه خارجی و داخلی منحنی تقسیم می کند.

Jordan matrix - ماتریس ژردان -  
هر ماتریس  $k \times k$  که عناصر قطری آن مساوی و عناصر  
فوق قطری آن سوا برابر باشند ، یک ماتریس ژردان  
نامیده میشود .

$$J(x; a) = \begin{pmatrix} x & 1 & 0 & \dots & 0 & 0 \\ 0 & x & 1 & & 0 & 0 \\ \dots & \dots & \dots & \dots & \dots & \dots \\ 0 & 0 & & & x & 1 \\ 0 & 0 & & & 0 & x \end{pmatrix}$$

Jordan measure اندازه ژردان  
Jordan measurable set مجموعه اندازه پذیر ژردان  
Jordan test آزمون ژردان  
Jordan theorem on Fourier series  
قضیه ژردان در مورد سلسله های فوریه  
Joukowski transformation - تبدیل ژوکوفسکی -  
تبدیل حافظ زاویه  $w = \frac{1}{\gamma} \left( z + \frac{1}{z} \right)$   
که در تئوری آشورودینا میک دارای اهمیت است .

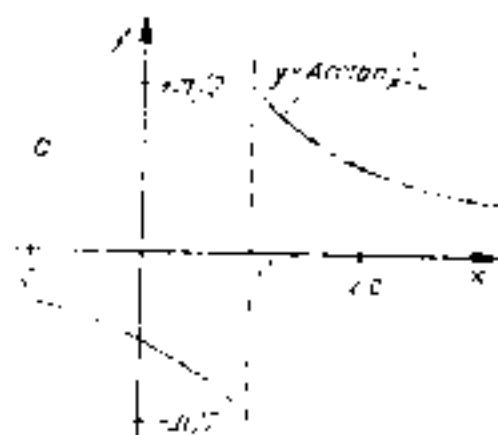
Joule واحد کار ،  
انرژی و حرارت در دستگاه SI تقریباً " معادل  
۰/۲۳۹۰ کالری  
Judgement داوری - رای - فتوی - حکم  
Jump جهش - پرش - افزایش ناگهانی

## J

J	دهمین حرف الفبای انگلیسی
Jacobian elliptic functions	توابع بیضوی ژاکوبی
Jacobian matrix	ماتریس ژاکوبین
Jacobian of "n" functions in "n" variables	ژاکوبین n تابع n متغیره
Jacobi's polynomials	چند جمله ایهای ژاکوبی
Jacobi's theorem	قضیه ژاکوبی
Jag	دندانه - بریدگی - دندانه دار کردن
Jagged	دندانه دار - اره مانند
Jaggy	دندانه ای
Jansen's inequality	نامساوی جانسن
Jargon	زبان نامفهوم
Join	اتصال - ملحق کردن - وصل کردن - متصل کردن - پیوستن - ملحق شدن
Joint	مفصل - لولا
Joint distribution	توزیع مشترک - توزیع توأم

ناپیوستگی جهشی - Jump discontinuity

انفعال جهشی - وقتی که حد چپ و راست یک تابع در نقطه‌ای موجود ولی متفاوت باشند تابع را در آن نقطه ناپیوسته جهشی می‌نامیم، مانند شکل زیر



Junction اتصال - نقطه اتصال - برخوردگاه

Junior کوچکتر - کمتر

Jupiter سیاره مشتری

Justifiable قابل توجیه - توجیه پذیر

قابل تعدیل - صدق پذیر

Justification توجیه - صدق

Justify دلیل آوردن - توجیه کردن - صدق کردن

Juxtapose پهلوئی هم گذاشتن

Juxtaposition پهلوئی هم گذاری

# K

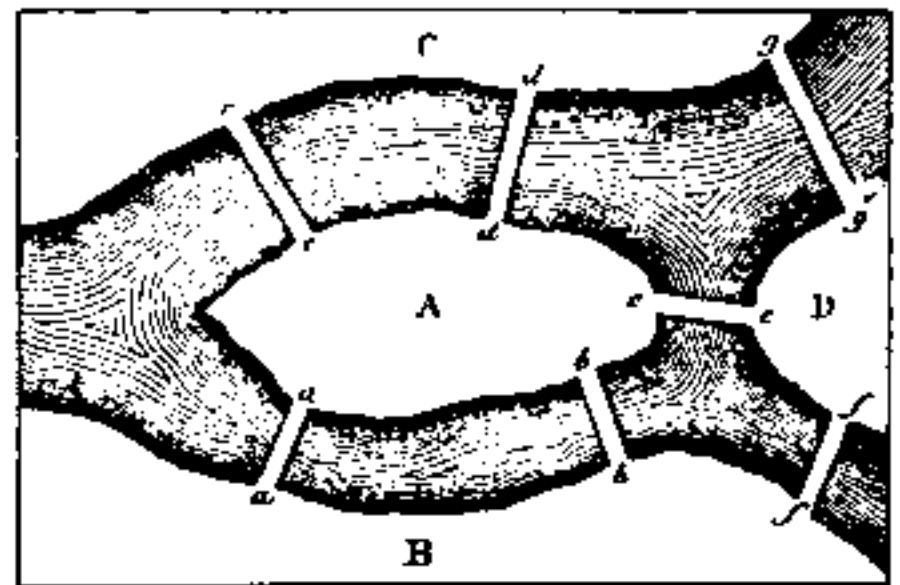
K	بیازدهمین حرف الفبای انگلیسی
Kappa(k)	کاپا - حرف دهم الفبای یونانی
Kernel	هسته - کرنل
Kernel of a transformation	هسته - یک تبدیل
KEV	واحد انرژی مساوی هزار الکترون ولت
Key	کلید - خار
Kilo	پیشوندی بمعنی هزار
Kilogram	کیلوگرم - هزارگرم - کیلوگرم که معادل هزارگرم است
Kilometer	کیلومتر - یک هزارمتر
Kilometric	کیلومتری
Kinematics	سینماتیک - علم الحركات
Kinetic	جنبشی
Kinetic energy	کارمایه جنبشی - انرژی جنبشی

Kinetics	علم اثر نیرو بر حرکت اجسام مادی
Kink	تاب - گره - پیچ دار کردن - گره - تاب - گره زدن - گره خوردن
Klein bottle	بطری کلاین



Klein's four group گروه چهارتایی کلین  
 چهار جایگشت  $1,2,3,4$  و  $1,2,3,4$  و  $1,2,3,4$  و  $1,2,3,4$   
 $3,4,1,2$  و  $2,1,4,3$  و  $1,2,3,4$   
 $1,2,3,4$  تشکیل یک گروه می دهند که به گروه چهار-تایی کلاین مشهور است.

Knack فن - مهارت  
 Konigsberg bridges problem مسئله پل‌های کونیگسبرگ - مسئله اینکه آیا می توان از یک نقطه شروع کرده پس از عبور درست یکبار از هر یک از هفت پل شکل زیر به نقطه عزیمت بازگشت ؟



Knot گره - گره دریایی - واحد سرعت دریایی معادل با  $6076/1$  فوت دریایی  
 Knowing that با علم باینکه  
 Knowledge دانش  
 Kronecker delta دلتای کرونکر، که به  $\delta_{mn}$  نشان داده شده و مقدار آن چنین میباشد  
 $\delta_{mn} = 1$  اگر  $m=n$   
 $\delta_{mn} = 0$  اگر  $m \neq n$

Kummer relation                      رابطه کومر:

$$\sum_{n=0}^{\infty} \frac{(a)_n (b)_n}{(+a-b)_n} \frac{(-1)^n}{n!} = \frac{\Gamma(1+a-b) \Gamma(1+\frac{1}{\gamma}a)}{\Gamma(1+a) \Gamma(1+\frac{1}{\gamma}a-b)}$$

$(a)_n = a(a+1)\dots(a+n-1)$                       که در آن

و غیره، و  $\Gamma$  نشانگر تابع گاما می باشد.

Kummer's equation                      معادله کومر:

$$xy''(x) + (b-x)y' - ay = 0$$

Kummer's test for convergence

آزمایش همگرایی

کومر

اگر  $a_n > 0$  و  $d_n > 0$  و  $\sum d_n^{-1}$  واگرا باشد

با تشکیل دادن  $b_n = (d_n (a_n/a_{n+1})) - d_{n+1}$

اگر  $b_n > 0$  سری  $\sum a_n$  همگرا و اگر

$b_n < 0$  سری  $\sum a_n$  واگرا خواهد بود.

Lagrange's formula of interpolation

فرمول درون یابی لاگرانژ - رابطه درون یابی لاگرانژ

$$(x_i, y_j) \quad 0 \leq i \leq n \quad \text{اگر}$$

$n+1$  نقطه از صفحه باشد، نگاه :

$$p(x) = \sum_{j=0}^n \left( \prod_{i \neq j} \frac{x - x_i}{x_i - x_j} \right) y_j$$

کثیرالجمله‌ای از درجه  $n$  است که از  $(n+1)$  نقطه فوق میگذرد.

Lagrange's identity اتحاد لاگرانژ

Lagrangian theorem قضیه لاگرانژ

هر عدد طبیعی را می‌توان به صورت مجموع مربعات حداکثر چهار عدد طبیعی نمایش داد.

Lagrangian لاگرانژین

Lagrangian function تابع لاگرانژ

Laguerre functions توابع لاگر

( که جوابهای معادله دیفرانسیل لاگرمی باشند )

Laguerre's differential equation معادله دیفرانسیل لاگر

معادله دیفرانسیل لاگر، معادله دیفرانسیل

$$xy'' + (1-x)y' + \alpha y = 0 \quad \text{که در آن } \alpha \text{ عددی ثابت}$$

است.

Lambda ( $\lambda, \Lambda$ ) لاندای حرف یازدهم الفبای

یونانی

Laplace operator عملگر لاپلاس

عملگر برداری  $\text{div grad}$  که آنرا به  $\nabla^2$  ویا

به  $\Delta$  نمایش می‌دهند، در دستگانه مختصات

دکارتی عملگر لاپلاس عبارتست از:

$$\frac{\partial^2}{\partial x^2} + \frac{\partial^2}{\partial y^2} + \frac{\partial^2}{\partial z^2}$$

Laplace's differential equation معادله دیفرانسیل لاپلاس

معادله دیفرانسیل لاپلاس

$$\frac{\partial^2 \phi}{\partial x^2} + \frac{\partial^2 \phi}{\partial y^2} + \frac{\partial^2 \phi}{\partial z^2} = 0$$

که با استفاده از عملگر لاپلاس بصورت زیر

$$\nabla^2 \phi = 0$$

بیان میشود:

L

L دوازدهمین حرف الفبای انگلیسی

Label طبقه بندی کردن - برچسب زدن - علامت - نشانی

Lacuna حفره - رخنه

Lacunary حفره‌ای

Ladder network شبکه سردبانی

Lagrange multipliers ضرایب لاگرانژ

در روش درون یابی لاگرانژ ضرایب کثیرالجمله

برابرند با:

$$L_i(x) = \prod_{\substack{k=0 \\ k \neq i}}^n \frac{x - x_k}{x_i - x_k}$$

که  $n$  تعداد نقاط است.

Lagrange's form of the remainder for صورت باقیمانده

taylor's theorem لاگرانژ در قضیه تبلیور - یک عدد  $0 < \theta < 1$  موجود است بطوریکه:

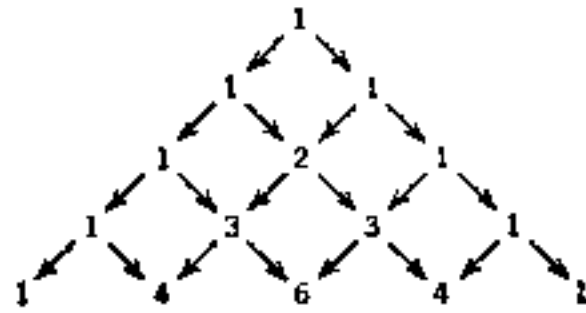
$$R_n = \frac{h^{n+1}}{(n+1)!} F^{(n+1)}(x_0 + \theta h)$$



Laws of logic قوانین منطق  
 Law of parallelogram قانون متوازی الاضلاع  
 Law of pascal's triangle قانون مثلث پاسکال (خیام)  

$$\binom{n+1}{r} = \binom{n}{r-1} + \binom{n}{r}$$
 داریم:

یعنی هر عنصر درونی این مثلث برابر مجموع دو عنصر سمت چپ و راست آن در سطر قبیل است.



Law of quadratic reciprocity قانون تقابل مربعی - دو عدد فرد اول p و q و گزاره  
 تناهای (۱)  $p | (x^2 - q)$  ، (۲)  $q | (x^2 - p)$   
 را در نظر می‌گیریم. قانون تقابل مربعی اینست که اگر P و q هر دو بصورت  $4k+3$  باشند یکی از (۱) و (۲) ممکن و دیگری ممتنع است و اگر حداقل یکی از P و q بصورت  $4k+1$  باشد هر دو گزاره نمانند ممتنع اند.

Law of right distributivity قانون بخش پذیری از راست  
 Law of total probability قانون احتمال مجموع - قانون مجموع احتمالات  
 Lay قراردادادن  
 Lay down کنا رگذاشتن سپاه گذاری کردن  
 Layer لایه  
 L b علامت اختصاری بوند و واحد وزن معادل ۲۵۳/۷ گرم

Lead منجر شدن - سوق دادن  
 Leading پیشرو  
 Leading term جمله پیشرو  
 Leak نشست کردن - نشست - چکه - رخنه  
 Leap جست - پرش  
 Leap day روز کبیسه - روز آخر سال کبیسه  
 Leap year سال کبیسه - سالی که مدت آن ۳۶۶ روز است  
 Learn فرا گرفتن - آموختن

Least کمترین - اقل  
 Least absolute remainder کوچکترین باقیمانده مطلق  
 Least amount کمترین مقدار - کوچکترین مقدار  
 Least common denominator (L.C.D) کوچکترین مخرج مشترک  
 Least common multiple (L.C.M) کوچکترین مضرب مشترک  
 Least element عنصر کمینه - عنصر اقل  
 Least member عضو اقل - عنصر کمینه  
 Least significant کم اهمیت ترین  
 Least squares law قانون کمترین مربعات  
 Least upper bound کوچکترین بند بالا -  
 Least upper bound theorem قضیه کوچکترین بند بالا - هر زیر مجموعه غیر تهی از اعداد حقیقی که از بالا محدود باشد، دارای کوچکترین بند بالا خواهد بود.  
 Leave باقی‌گذاردن - واگذار کردن - ترک کردن  
 Lebesgue bounded convergence theorem قضیه تقارب محدود لبگ  
 Lebesgue criterion آزمون لبگ  
 Lebesgue criterion for riemann integrability معیار لبگ برای انتگرال پذیری ریمان  
 Lebesgue integrable function تابع انتگرال پذیر به تعبیر لبگ  
 Lebesgue intergal انتگرال لبگ  
 Lebesgue intergal of a complex function انتگرال لبگ یک تابع مختلط  
 Lebesgue measure سنج لبگ - اندازه لبگ  
 Ledger دفتر کل - تیر - نخته  
 Left چپ  
 Left cancellation law قانون حذف از سمت چپ  
 Left coset هم‌دسته چپ  
 Left distributive بخش پذیر از چپ  
 Left factor عامل چپ  
 Left - hand سمت چپ  
 Left- hand continuity پیوستگی چپ  
 Left - hand derivative مشتق چپ

Laplace transform	اگر تابع $f$ به ازاء کلیه اعداد حقیقی مثبت $x$ تعریف شده باشد آنگاه:
$L(f(x)) = F(s) = \int_0^{\infty} f(x) e^{-sx} dx$	را تبدیل لاپلاس $f$ گویند.
Lapse	افت - کاهش
Lapse rate	نرخ افت (درجه حرارت در اثر افزایش ارتفاع)
Large	بزرگ
Largely	بطور فراگیر - جا معا
Largen	بزرگ کردن - وسعت بخشیدن
Larger than	بزرگتر از
Largest	بزرگترین
Largest number	بزرگترین عدد
Last	آخرین - واپسین - پایتین - دوام آوردن
Last element	آخرین عضو - آخرین عنصر
Latent root	مقدار ویژه
Latent root of a matrix	مقدار ویژه یک ماتریس
Lateral	جانبی - پهلوئی
Lateral area	مساحت جانبی
Lateral edge	پال جانبی
Lateral face	وجه جانبی
Laterally	جانباً - از پهلو
Lateral surface	سطح جانبی
Latin squares	مربعات لاتین - یک مربع لاتین $n \times n$ عبارتست از یک ترتیب $n$ عنصر متفاوت در $n$ سطرها و $n$ ستون بطوریکه هر عنصر دقیقاً یک بار در هر سطر و هر ستون ظاهر میشود. چنین ترتیبی برای هر $n$ معین است. مثلاً:
A B C D	
B A D C	
C D A B	
D C B A	
Latitude	عرض - عرض جغرافیائی
Latus rectum	وتری که بر کانون مقطع مخروطی گذشته و بر محور کانونی آن عمود باشد.
Letter	اخیس

Lattice	شبهه - مجموعه آباد و عمل اشتراک $(\cap)$ و اجتماع $(\cup)$ را یک شبهه گویند هرگاه به ازاء عناصر دلخواه $a, b, \dots$ از اصول زیر برقرار باشند:
$a \cap b = b \cap a$ , $a \cup b = b \cup a$	۱- اصل جابجائی
$(a \cap b) \cap c = a \cap (b \cap c)$ , $(a \cup b) \cup c = a \cup (b \cup c)$	۲- اصل شرکت پذیری
$a \cup (a \cap b) = a$ , $a \cap (a \cup b) = a$	۳- اصل جذب
Laurent expansion	بسط لورن
Laurent series	سلسله لورن
اگر تابع تحلیلی $F(z)$ در تاج دایره $R' <  z-a  < R$ هیچ نقطه منفرد نداشته باشد، آنگاه می توان در صورتیکه $F(z) = \sum_{n=-\infty}^{\infty} A_n (z-a)^n$ همگرا بشکل	یک سلسله همگرا بشکل $F(z) = \sum_{n=-\infty}^{\infty} A_n (z-a)^n$ که بنا به سلسله لورن مشهور است بیان شود که ضرایب $A_n$ عبارتند از:
$A_n = \frac{1}{2\pi i} \int_c \frac{f(z)}{(z-a)^{n+1}} dz$	که $c$ یک دایره با شعاع $R' < r < R$ است.
Law	قانون
Law of associativity	قانون شرکت پذیری
Law of cancellation	قانون حذف
Law of combination	قانون ترکیب
Law of commutativity	قانون جابجائی
Law of composition	قانون ترکیب
Law of conservation of momentum	قانون بقا اندازه حرکت
Law of cooling	قانون تبرید
Law of cosines	قانون کسینوسها
Law of distributivity	قانون بخشی
Law of exponents	قانون نماها
Law of growth	قانون رشد
Law of inertia	قانون ماند
Law of large numbers	قانون عددهای بزرگ - قانونی در آمار: در نمونه گیری از جامعه های آماری، وقتی که تعداد عناصر یک نمونه زیاد شود، احتمال آنکه میانگین آن بیش از مقدار معینی با میانگین جامعه آماری مربوطه اختلاف داشته باشد به سمت صفر میل میکند.
Law of left distributivity	قانون بخش پذیری از چپ

Left - handed چپ گرد  
 Left-handed curve منحنی چپ گرد  
 Left-handed trihedral کنج چپ گرد  
 Left-hand jump پرش چپ  
 Left-hand limit حد چپ  
 Left inverse وارون چپ - معکوس چپ  
 Left limit حد چپ  
 Left most منتهی الیه سمت چپ  
 Left open interval فاصله از سمت چپ باز  
 Left shift تغییر مکان به چپ - اسفال به چپ  
 Left simplifiable element عضویه شدنی از چپ

Leg باق  
 Legendre's differential equation معادله دیفرانسیل لژاندر

$$(1-x^2) \frac{d^2 y}{dx^2} - 2x \frac{dy}{dx} + n(n+1)y = 0$$

Legendre's polynomials چند جمله‌ای‌های لژاندر -  
 کنیرا جمله‌های

$$P_n(x) = \frac{1}{n!} \frac{d^n}{dx^n} (x^2-1)^n$$

Legs of a triangle ساقهای یک مثلث  
 Leibniz test for convergence آزمون همگرایی لایبنیز - یک سری متناوب  
 همگراست اگر قدر مطلق جملات آن تشکیل یک دنباله نزولی همگرا به صفر دهند.

Leibniz' theorem or formula قضیه یا رابطه لایبنیز

$$\frac{d^n}{dx^n}(uv) = \frac{d^n u}{dx^n} v + \binom{n}{1} \frac{d^{n-1} u}{dx^{n-1}} \frac{dv}{dx} + \dots + \binom{n}{r} \frac{d^{n-r} u}{dx^{n-r}} \frac{d^r v}{dx^r} + \dots + u \frac{d^n v}{dx^n}$$

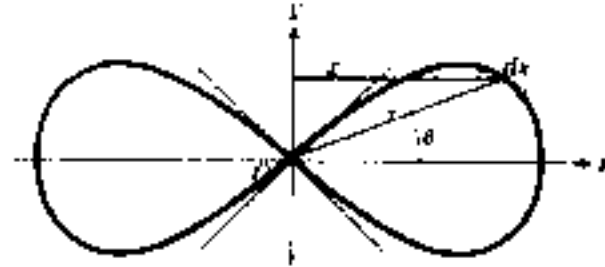
که در آن  $u$  و  $v$  توابعی از  $x$  هستند

Lemma لم

Lemniscate (of Bernoulli)

پروانه - لمینسکات

منحنی سماپش تعبیرات تابع  $r^2 = a^2 \cos^2 \theta$   
 در دستگاه مختصات قطبی



Length درازا - اندازه - طول  
 Lengthen دراز کردن  
 Length of a curve طول یک منحنی

Length of a line segment طول یک پاره خط  
 Length of a rectangle طول یک مستطیل  
 Lengthways طولی - در امتداد طول  
 Lengthwise طولی - در امتداد طول  
 Lengthy طویل

Lens عدسی - ذره بین  
 Lenticular ذره بین - عدسی وار

Less کمتر  
 Lessen کم کردن

Let گرفتن - گذاردن - فرض کردن  
 Letter حرف

Level سطح کردن - تراز کردن - تراز - رتبه  
 Level curves منحنی های تراز

Level line خط تراز  
 Levelling تراز بندی - تراز یابی

Level surface سطح تراز  
 Lever اهرم

Levy مالیات  
 Lexical analysis تحلیل لغوی

Lexicographic فاموسی  
 Lexicographic ordering ترتیب فاموسی

L'Hospital's theorem(rule) - هوبیتال -  
 اگر  $\lim_{x \rightarrow a} g(x) = 0, \lim_{x \rightarrow a} f(x) = 0$

$$\lim_{x \rightarrow a} \frac{f(x)}{g(x)} = \lim_{x \rightarrow a} \frac{f'(x)}{g'(x)}$$

( $-\infty < x < +\infty$ ) آنگاه

مشروط به آنکه حد نسبت مشتقها موجود (متناهی یا نامتناهی) باشد.

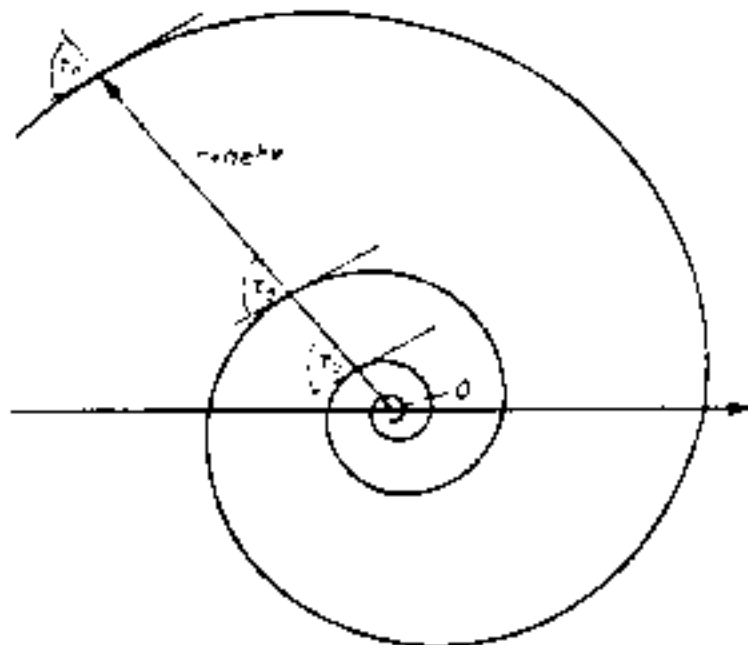
Liberate	آزاد کردن	Linear differential equation	معادله دیفرانسیل خطی
Lie	قرار داشتن - قرار دادن	Linear differential equation of order n	معادله دیفرانسیل خطی از مرتبه n
Lift	بلند کردن - بالا بردن		
Light	نور		
Light year	سال نوری		
Like	مثل - مشابه	$q_0(x) \frac{d^n y}{dx^n} + q_1(x) \frac{d^{n-1} y}{dx^{n-1}} + \dots$	
Likelihood	سخت - ناسب	$+ q_{n-1}(x) \frac{dy}{dx} + q_n(x)y = f(x)$	
Likelihood function	تابع بخت	Linear displacement	جابجایی خطی
Likely	متشابه	Linear element	عنصر خطی
Liken	تشبیه کردن	Linear equation	معادله خطی
Likewise	بطور مشابه	Linear equation or expression	معادله یا عبارت خطی
Limb	عضو	Linear function	تابع خطی
Limit	حد	Linear functional	تابع عددی خطی - تابعی خطی
Limitation	تحدید		تابع خطی f که به هر عنصر فضای X یک عدد حقیقی یا مختلط را نسبت می‌دهد یک تابع عددی خطی نامیده می‌شود.
Limit comparison	مقایسه حدی	Linear independence	استقلال خطی
Limit comparison test	آزمون مقایسه حدی	Linear interpolation	دروسیابی خطی - میان یابی خطی
Limited	محدود	Linearisation	خطی سازی
Limited integrator	انتگرال گیر محدود	Linearity	کیفیت خطی بودن
Limit function	تابع حد	Linearity property	خاصیت خطی بودن
Limit inferior	حد اسفل	Linearity with respect to the integrand	خطی بودن نسبت به تابع تحت انتگرال
Limiting	حدی	Linearly	بطور خطی
Limiting frequency	بسیار محدود	Linearly dependent	وابسته خطی
Limiting process	روش حدی	Linearly independent	مستقل خطی
Limiting value	مقدار حدی	Linearly independent quantities	کمیت‌های مستقل خطی
Limitless	بی حد	Linearly independent set	مجموعه مستقل خطی
Limit of a function	حدیک تابع	Linearly independent vectors	بردارهای مستقل خطی
Limit of a sequence	حدیک دنباله	Linearly ordered set	مجموعه مرتب خطی
Limit of a variable	حدیک متغیر		مجموعه A را با رابطه R مرتب خطی گویند هرگاه رابطه R، تعریف شده بر روی مجموعه A، دارای شرایط زیر باشد:
Limits of integration	حدود انتگرال گیری		(۱) R - انتقالی باشد، یعنی:
Limit point	نقطه حدی		
Limit value	مقدار حدی		
Line	خط		
Lineal	خطی		
Lineal measure	مقیاس طول		
Linear algebra	جبر خطی		
Linear array	آرایه خطی		
Linear combination	ترکیب خطی		
Linear congruence	هم‌ارزی خطی		
Linear dependence	وابستگی خطی - بستگی خطی		

$xRy \wedge yRz \implies xRz \quad \forall x, y, z \in A$	
(۲) - دقیقاً یکی از حالات زیر برقرار باشد :	
$xRy \vee x=y \vee yRx \quad \forall x, y \in A$	
Linear mapping	نگاشت خطی
Linear measure	معیار طول
Linear momentum	اندازه، حرکت خطی
Linear motion	حرکت خطی
Linear order	ترتیب خطی
Linear ordering relation	رابطه، ترتیبی خطی
Linear part	نصف خطی
Linear polynomial	جمله‌های خطی
Linear programming	برنامه ریزی خطی
Linear space	فضای خطی
Linear space of functions	فضای خطی توابع
Linear system	دستگاه خطی
Linear transformation	تبدیل خطی
Line at infinity	خط ایده‌آل
Lination	خط گذاری - ترتیب روی خط و یا در امتداد آن
Line by line	سطوحه سطر
Line concentrator	متمرکز کننده، خطی
Line feed	تعویض سطر
Line integral	انتگرال خطی
Line of best fit	مناسبت‌ترین خط - خطی که از روش کمترین مربعات بدست می‌آید.
Line of centers	خط المرکزین
Line of sight	خط دید
Line segment	قطعه خط - باره خط
Lines of flow	خطوط جریان
Line spacing	فاصله، سطرها
Line with the greatest slope	خط بزرگترین شیب
Link	پیوند - پیوند دادن - بهم پیوستن
Linkage	مفصل - ترکیبی از مفعلها - پیوند - اتصال - نوعی ابزار که با آن منعکس یک منحنی را رسم می‌کنند.

Linking	اتصال
Lipschitz condition	شرط لیبشیتز - تابع $F(x, t)$ در میدان $D$ در شرط لیبشیتز صادق است هرگاه عدد ثابتی مانند $k$ یافت شود بطوریکه به ازای هر $(x, y_1)$ و $(x, y_2)$ در $D$ داشته باشیم :
	$ f(x, y_1) - f(x, y_2)  < k  y_1 - y_2 $
Lipschitz functions	توابع لیبشیتز - سواستی که در شرط لیبشیتز صدق می‌کنند.
Lipschitz mapping	نگاشت لیبشیتز، نگاشتی که در شرط لیبشیتز صدق کند.
Liquid	مایع
Listing	صورت - صورت برداری
Liter (litre)	لیتر - واحد حجم معادل یک دسی‌متر مکعب تقریباً " برابر ۱/۱۰۰۰ متر مکعب
Literal	حرفی - بصورت حرف
Literal coefficients	ضرایب حرفی
Literal constant	ثابت حرفی
Literal expression	عبارت حرفی
Literal equation	معادله، حرفی
Literal numbers	ارقام حرفی
Litotes	اشادات گزاره‌ای از راه نفی آن
$L^2$ norm	نرم $L^2$ - هیچ $L^2$ - هرگاه برای تابع مختلط $f$ که روی مجموعه $S$ تعریف شده است، انتگرال $\int_S  f(x) ^2 d\mu$ متناهی باشد $f$ متعلق به فضای $L^2(S)$ نامیده نرم $f$ را بصورت زیر نمایش میدهد :
	$\ f\ _2 = \left[ \int_S  f ^2 d\mu \right]^{1/2}$
Load	بار
Load sharing	تقسیم بار
Local	موضعی
Local behaviour	رفتار موضعی
Local compactness	فشرده‌گی موضعی
Local extremum	اکسترم موضعی - اکسترم نسبی
Local inverse function	تابع معکوس موضعی
Locally	موضعا "
Locally compact space	فضای موضعا " فشرده
Locally constant	موضعا " ثابت
Local maximum	ماکزیم موضعی - ماکزیم نسبی

Local minimum می نیمم موضعی - می نیمم سبی  
 Local property خاصیت موضعی  
 Local stability یابرداری موضعی  
 Locate محل چیزی را تعیین کردن - مستقر کردن  
 Location موقعیت - مکان - تعیین محل  
 Locus مکان هندسی  
 Locus of an equation مکان هندسی نقاطی که  
 محصولات آنها در معادله مفروضی صدق میکنند.  
 Logarithm لگاریتم  
 Logarithm function تابع لگاریتم  
 Logarithmic لگاریتمی  
 Logarithmic convex function تابع محدب لگاریتمی  
 Logarithmic curve منحنی لگاریتمی  
 Logarithmic derivative مشتق لگاریتمی  
 Logarithmic derivative of a function مشتق لگاریتمی یک تابع  
 Logarithmic differentiation مشتق گیری لگاریتمی  
 Logarithmic equation معادله لگاریتمی  
 Logarithmic function تابع لگاریتمی  
 Logarithmic integral انتگرال لگاریتمی  

$$Li(x) = \int_0^x \frac{dt}{\ln t}$$
 Logarithmic scale درجه بندی لگاریتمی  
 Logarithmic series سلسله لگاریتمی -  
 سری لگاریتمی  
 Logarithmic spiral مارپیچ لگاریتمی -  
 منحنی نمایش تابع  $r = ae^{k\theta}$  در دستگاه  
 مختصات قطبی



Logarithmic table جدول لگاریتمی  
 Logarithm of a complex number لگاریتم یک عدد مختلط -  
 $z = r(\cos \theta + i \sin \theta) = re^{i\theta}$  هرگاه :  
 $w = \text{Ln}z = \text{Ln}r + i(\theta + 2k\pi)$  باشد، آنگاه :  
 Logic منطق  
 Logic add جمع منطقی  
 Logical منطقی  
 Logical add جمع منطقی  
 Logical analysis تحلیل منطقی  
 Logical analysis of mathematics تحلیل منطقی ریاضیات  
 Logical connective رابطه منطقی  
 Logical connector رابط منطقی  
 Logical difference تفاضل منطقی  
 Logical design طرح منطقی - طراحی منطقی  
 Logical equivalence هم ارزی منطقی  
 Logical expression معین منطقی  
 Logical form فرم منطقی - صورت منطقی  
 Logical function تابع منطقی  
 Logical implication استلزام منطقی  
 Logical not نفی منطقی - نفي منطقی  
 Logical operation عمل منطقی  
 Logical operator عملگر منطقی  
 Logical "0" state حالت صفر منطقی  
 Logical "1" state حالت یک منطقی  
 Logical shift تغییر مکان منطقی  
 Logical sum مجموع منطقی  
 Logical trace رد منطقی  
 Logical value ارزش منطقی  
 Logic analyzer تحلیل گر منطقی  
 Logic- arithmetic unit واحد منطق و حساب  
 Logic design طرح منطقی - طراحی منطقی  
 Logic diagram نمودار منطقی  
 Logic element عنصر منطقی  
 Logic function تابع منطقی  
 Logician منطق دان  
 Logic instruction دستورالعمل منطقی  
 Logic multiply ضرب منطقی

Logic network	شبکه منطقی	Lower bound	کرانه پائینی - بند پائینی
Logic operation	عمل منطقی	Lower case	حروف کوچک الفبای انگلیسی - حالت اسفل - حالت پائین تر
Logic product	حاصل ضرب منطقی	Lower class	طبقه پائین
Logic shift	تعبیر مکان منطقی	Lower integral	انتگرال پائینی
Logic sum	مجموع منطقی	Lower limit	حد پائینی
Logic switch	گزینه منطقی	Lower limit of an integral	حد پائین یک انتگرال
Logic symbol	نماد منطقی	Lower limit of summation	حد پائینی جمع بندی
Logic unit	واحد منطقی	Lower Riemann sum	مجموع پائینی ریمان
Logic variable	متغیر منطقی	Lower-Stieltjes Sum	مجموع پائینی استیلجس
Logistic	منطق نمادی - مربوط به منطق نمادی	Lower sum	مجموع پائینی
Logistic curve	منحنی لژیستیک - منحنی که نمایش دهنده یک تابع نمایی بوده و به شکل S می باشد.	Lower than	پائین تر از
Logistic - spiral	مارپیچ هم زاویه	Lowest	پائین ترین
Long	دراز - طولانی - طویل - مدید	Low order	مرتبه پائین
Long distance	راه دور	Low - pass filter	صافی پائین گذر
Long division	عمل تقسیم با ذکر کلیه مراحل آن	Lozenge	لوزی
Longer	درازتر - اطول	Luminescence	پرنوافسانی - تابناکی
Long-haul	دور - دوربرد	Lunar	قمری
Longitude	طول جغرافیایی - طول	Lunar month	ماه قمری
Longitudinal	طولی - در امتداد طول	Lune	هلال - قسمتی از سطح کره واقع بین دو دایره عظیمه
Long measure	مقیاس طول		
Long-range	دوربرد - درازمدت		
Long run	مدت زمان کافی برای انجام یک روند		
Long-term	درازمدت		
Longwise	در طول - در جهت درازا		
Look up	جستجو کردن		
Loop	حلقه - طوق		
Loop body	جسم حلقوی		
Loop of a curve	حلقه یک منحنی		
Lose	تلف کردن - کم کردن - ریاض کردن - باختن		
Loss	زیان - ضرر - هفت - اتلاف		
Loss factor	ضریب اتلاف		
Loss function	تابع زیان		
Loss of accuracy	فقدان دقت		
Lossy	اتلاف گر		
Lottery	بخت آزمایی		
Low	پائین		
Lower	پائین تر - اسفل		

# M

M سیزدهمین حرف الفبای انگلیسی، در اعداد رومی M  
۱۰۰۰

Maclaurin's formula دستور مک لورن

$$f(x) = \sum_{k=0}^{n-1} \frac{f^{(k)}(0)}{k!} x^k + \frac{f^{(n)}(ax)}{n!} x^n$$

که در آن  $0 < a < 1$  می باشد.

Maclaurin's series سری مک لورن - بسط

$$\sum_{k=0}^{\infty} \frac{f^{(k)}(0)}{k!} x^k$$

Magic square مربع جادویی - مربع وفقی - مربع

توافقی - یک مربع شامل تعدادی عدد صحیح مثبت

بطوریکه مجموع عناصر هر سطر با هر ستون و یا هر

قطر آن مقدار ثابتی است. مثال :

۲      ۹      ۴

۳      ۵      ۷

۸      ۱      ۶

Magnetic

مغناطیسی

Magnetic meridian نصف النهار مغناطیسی -  
نصف النهاری که از قطب مغناطیسی می گذرد.

Magnetic poles قطب های مغناطیسی

Magnetic variation ناپایداری مغناطیسی

Magnification بزرگ سازی - انبساط

Magnifier درشت کننده - ذره بین

Magnify درشت کردن - بزرگ کردن

Magnifying power ضریب بزرگنمایی - ضریب درشت سازی

Magnitude بزرگی - قدر

Main اصلی

Main diagonal قطر اصلی

Major ارشد - بیشتر - بزرگتر - مهاد

Major and minor premise صغری و کبری فیاس

Major arc کمان بزرگتر - قوس اطول

Majorate محدود کردن

Major axis محور اطول

Major object هدف عمده

Major premise کبری فیاس - کبری قضیه  
منطقی

Make up آراستن

Making decision تصمیم گیری

Manipulation انجام با مهارت - دستکاری

Manner طریقه - روش

Mantissa مانسیس - جزء اعشاری لگاریتم  
یک عدد

Many-sided چند ضلعی - چندجانبه ای

Many to many function تابع چندبه چند

Many valued چندارزشی - چندمقداری

Many valued function تابع چندمقداری -  
تابع چندارزشی

Map نقشه - نگاشتن - تصویر کردن

Mapping نگاشت

Marginal نهائی

Marginal cost هزینه نهائی

Marginal cost function تابع هزینه نهائی

Marginal distribution توزیع کناری

Marginal revenue درآمد نهائی

Mark علامت - علامت گذاشتن

Marked علامت دار



Marking	لامب گذاری
Markov chains	رشته های مارکوف
Mascheroni's constant	سایت ماکروسی - حد دیاله
	$c_n = 1 + \frac{1}{2} + \dots + \frac{1}{n} - \ln(n)$
	وقتی که $n \rightarrow \infty$
Mass	جرم - سوده
Mass density	جرم مخصوص
Match	خور کردن - خور بودن
Material	ماده - مادی
Material implication	استلزام منطقی
Mathematical	ریاضی - آراء ریاضی
	تطبیق ریاضی
Mathematical analysis	آنالیز ریاضی - تجزیه و تحلیل ریاضی
Mathematical analysis of logic	تحلیل ریاضی منطقی
Mathematical definition	تعریف ریاضی
Mathematical equation	معادله ریاضی
Mathematical expectation	امید ریاضی
Mathematical framework	چارچوب ریاضی
Mathematical induction	استقراء ریاضی
Mathematical logic	منطق ریاضی
Mathematically	بطور ریاضی - به طریق ریاضی
Mathematical model	مدل ریاضی - نمونه ریاضی
Mathematical physics	فیزیک ریاضی
Mathematical point of view	نظریه ریاضی
Mathematical probability	احتمال ریاضی
Mathematical problems	مسائل ریاضی
Mathematical programming	برنامه ریزی ریاضی
Mathematical recreations	تفریحات ریاضی
Mathematical structure	ساختار ریاضی
Mathematical system	دستگاه ریاضی
Mathematician	ریاضی دان
Mathematics	ریاضیات
Mathieu's differential equation	معادله دیفرانسیل ماتیو - معادله دیفرانسیل

Mating surfaces	سطوح تماس
Matrices	ماتریسها - آرایه ها
Matrix	ماتریس - ردها - آرایه
Matrix algebra	جبر ماتریسها
Matrix calculus	حساب ماتریسها
Matrix of a linear transformation	ماتریس یک تبدیل خطی
Matrix of change of basis	ماتریس تغییر پایه
Matrix of transition probability	ماتریس احتمال انتقال - ماتریس احتمال تغییر از حالتی به حالت دیگر در یک رشته مارکوف
Matrix product	حاصلضرب ماتریس
Matrix representation	نمایش ماتریسی - نمایش آرایه ای
Maximal	ماکزیمال - بزرگترین - حداکثر - مهینه - بیشینه
Maximal element	عنصر ماکزیمال - عنصر بیشینه
Maximal member of a set	عضو بیشینه - یک مجموعه
Maximization	بیشینه سازی - مهینه سازی
Maximize	بیشینه سازی - مهینه سازی
Maximum	ماکزیمم - مهینه - حداکثر مقدار - بیشینه
Maximum element	بزرگترین عنصر
Maximum height	حداکثر ارتفاع
Maximum length	حداکثر طول
Maximum likelihood	حداکثر احتمال
Maximum-modulus theorem	قضیه حداکثر قدر مطلق - فرض کنید تابع $f$ روی ناحیه $S$ در $E^2$ تحلیلی بوده و مقدار آن ثابت نباشد، همچنین فرض کنید $T$ یک منحنی زردان با طول منتهی باشد بطوریکه $T$ و ناحیه داخلی آن درون $S$ قرار می گیرند اگر روی $T$ $ f(z)  < m$ باشد آنگاه در تمام نقاط داخلی $T$ خواهیم داشت:
	$ f(z)  < m$
Maximum point on a curve	نقطه اوج یک منحنی
Mean	معدل - واسطه - میانگین - متوسط - مفهوم - معنی

$$\frac{d^2 y}{dx^2} + (\lambda + \gamma \cos \omega x) y = 0$$

محور متوسط بیضی کون - Mean axis of ellipsoid  
اگر در بیضی کون

$$\frac{x^2}{a^2} + \frac{y^2}{b^2} + \frac{z^2}{c^2} = 1$$

داشته باشیم  $a > b > c$

آنگاه  $c$  را محور متوسط بیضی کون می گویند.

Mean convergence

همگرایی میانگینی - تقارب میانگینی

Mean deviation انحراف از میانگین

Mean distance فاصله متوسط - میانگین حداکثر و حداقل فاصله یک سازه از مرکز آن

Mean effective value مقدار مؤثر متوسط

Meaningless بی معنی

Mean ordinate عرض متوسط - مقدار متوسط تابع

Meantime نقطه میانی - نقطه میانگین

Meanproportional واسطه همدی

Means وسطین تناسب

Mean solarday روز متوسط خورشیدی

Mean-square error خطای میانگین محذورات

Mean terms of proportion وسطین تناسب

Mean value مقدار میانی - مقدار متوسط - مقدار میانگین

Mean value formula دستور مقدار میانگین

Mean value of a function مقدار میانگین یک

تابع - برای تابع حقیقی  $F$  که در فاصله  $a < x < b$  انتگرال پذیر است داریم:

$$m_F[a, b] = \frac{1}{b-a} \int_a^b F(t) dt$$

و بطور کلی برای هر تابع انتگرال پذیر روی ناحیه

$$m_{F,s} = \frac{1}{m(s)} \int_s F ds \quad s \text{ داریم:}$$

Mean value theorem قضیه مقدار میانی -

هرگاه تابع حقیقی  $F$  در فاصله  $a < x < b$  پیوسته

و در فاصله  $a < x < b$  مشتق پذیر باشد آنگاه

$a < c < b$  موجود است چنانکه:

$$\frac{F(b) - F(a)}{b-a} = F'(c)$$

Mean value theorem of the differential

قضیه مقدار میانی حساب دیفرانسیل - calculus

هرگاه تابع  $y = F(x)$  روی فاصله بسته  $[a, b]$

پیوسته و روی فاصله باز  $(a, b)$  مشتق پذیر بوده

$F(a) = F(b)$  باشد آنگاه نقطه ای باشد

$c \in (a, b)$  موجود است بطوریکه  $F'(c) = 0$

Mean value theorem for integral

قضیه مقدار میانی برای انتگرال

اندازه پذیر Measurable

تابع اندازه پذیر Measurable function

مجموعه اندازه پذیر Measurable set

اندازه گرفتن - سنجیدن - اندازه Measure

مقیاس - سنج

Measured سنجیده

Measureless بی اندازه

Measurement سنجش - اندازه گیری

Measure of length مقیاس طول

Measure of a set اندازه یک مجموعه

Measure space فضای اندازه

Measure theory نظریه اندازه - نظری اندازه

Mechanical مکانیکی

Mechanical drawing رسم مکانیکی - ترسیم

وسيله، ابزار مکانیکی

Mechanical engineering مهندسی مکانیک

Mechanics علم مکانیک - علمی که درباره رابطه بین حرکت و نیرو بحث می کند.

Mechanics rules قوانین مکانیک

Medial میانی

Median خط میانه - میانه (در آمار)

Median in statistics میانه (در آمار) - عنصر میانی

Median of a trapezoid میانه ذوزنقه

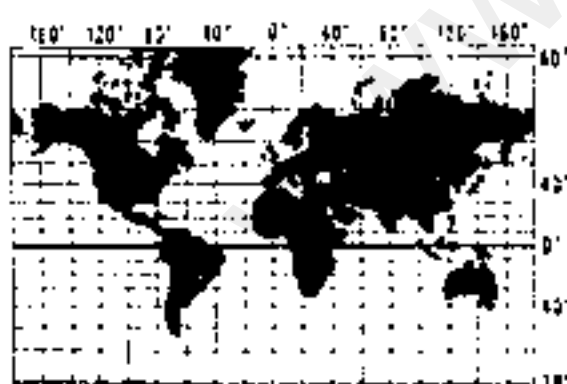
Median of a triangle میانه مثلث

Median point of a triangle نقطه میانی مثلث  
نقطه ای که مجموع فواصل آن از سه رأس مثلث کمینه است.

Medium واسطه - متوسط - معادل - وسیله

میانجی - رسانه

Medium wave موج متوسط  
 Meet برخورد کردن - برخورد - تلاقی  
 Meet of two sets مقطع دو مجموعه - اشتراک دو مجموعه  
 Mega پیشوندی به معنی یک میلیون  
 Mellin transform تبدیل ملین - تبدیل ملین  
 تابع  $f$  که آنرا به  $\bar{f}(p)$  نمایش می دهند،  
 بصورت زیر تعریف میشود:  $\bar{f}(p) = \int_0^{\infty} f(x)x^{p-1}dx$   
 Melt گداختن - ذوب کردن  
 Member عضو - جز  
 Member of a set عضو یک مجموعه  
 Membership عضویت - تعلق  
 Membership symbol نماد تعلق - نماد عضویت  
 Members of an equation عضوهای یک معادله  
 Meniscus عدسی از یک سوم مقعر و از سوی دیگر محدب -  
 هلال یا جسم هلالی شکل - سطح محدب یا مقعر مایعات  
 Mense خیلی زیاد  
 Mensuration اندازه گیری - عمل اندازه گیری  
 به کاربرتن علم هندسه برای اندازه گیری طول  
 سطح یا حجم بر مبنای اندازه های طولی یا زاویه ای  
 داده شده.  
 Mental arithmetic حساب ذهنی  
 Mercator projection نقشه مرکاتور -  
 نقشه ای که نصف النهارات آن با هم موازی و مدارات  
 آن نیز موازی یکدیگر باشند.



Mercury جیوه - سیاره عطارد  
 Merely فقط - صرفاً  
 Meridian نصف النهار - دایره عظیمه ای  
 که از قطبین زمین می گذرد.  
 Meridian of celestial sphere نصف النهار کره سماوی  
 Meridian plane صفحه نصف النهاری

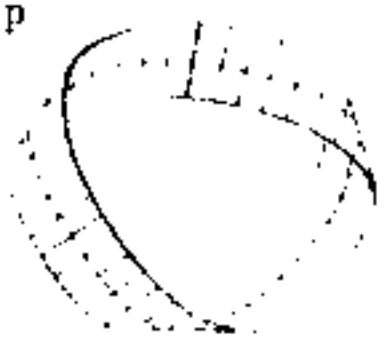
Meromorphic function تابع مرمورفیک - تابع  
 $F$  را روی مجموعه  $M$  مرمورفیک گویند هرگاه  $F$   
 صرفنظر از نقاط منفرد با قطبها بش روی  $M$  تحلیلی  
 باشد.  
 Mersenne numbers اعداد مرسن -  
 اعداد صحیحی به صورت  $m = 2^n - 1$  ( $n > 1$ )  
 Mersenne prime numbers اعداد اول مرسن - عدد  
 اولی را گویند که بتوان آنرا به صورت  $m_n = 2^n - 1$   
 نوشت.  $n > 1$   
 Mesh سوراخ - چشه - شبکه - نورمانندیا  
 مشبک کردن - گیرانداختن - حور شدن - درهم گیر  
 افتادن ( مثل دنده های ماشین )  
 Mesne میانی - وسطی  
 Meta پیشوندی به معنای فوق  
 Metadiscriminant فوق مبین  
 Metalogic فوق منطق  
 Metamathematics فوق ریاضیات  
 Metaproof فوق دلیل  
 Metastable فوق پایدار  
 Metatheorem فوق قضیه  
 Metavariable فوق متغیر  
 Meter متر - معادل ۳۹/۳۷ اینچ  
 Meteorite سنگ آسمانی  
 Method طریقه - راه و روش - اسلوب  
 Method of false position روش موقعیت نادرست  
 Method of least squares روش حداقل محذورات -  
 روش کمترین مربعات  
 Method of successive bisections روش  
 تنصیفات متوالی  
 Method of undetermined coefficients روش ضرایب نامعلوم  
 Metric فاصله ای - تابع فاصله - متریک  
 Metric geometry هندسه متریک  
 Metric space فضای متریک - فضای فاصله ای  
 Metric subspace زیر فضای متریک -  
 زیر فضای فاصله ای  
 Metric system دستگاه متریک - دستگاه  
 فاصله ای  
 Metrizable space فضای فاصله پذیر

Micro پیشوندی به معنی یک میلیونیم  
 Micron میکرون - یک هزارم میلیمتر  
 Microstructure ساختمان ذره‌ای  
 Mid پیشوندی به معنی وسط  
 Middle وسط - میان  
 Middling میانی  
 Middlingly بطور میانی  
 Midland بین‌النواحي  
 Mid-line خط واصل اوساط دوسای دوزننه - خط میانه  
 Midmost دقیقاً واقع شده در وسط - وسط‌ترین  
 Midpoint نقطه وسط - نقطه میانی  
 Midpoint of a line segment نقطه وسط یک پاره خط  
 Midst قسمت وسط  
 Midway نیمه راه  
 Mile میل - مایل - واحد طول معادل ۱۶۰۹ متر  
 Mille هزار  
 Milli یک هزارم - پیشوندی به معنی یک هزارم  
 Milliard میلیارد - هزار میلیون - ۱۰<sup>۹</sup>  
 Million میلیون - هزار هزار - ۱۰<sup>۶</sup>  
 Minding انگاشت - تصور  
 Miniature کوچک - ظریف  
 Minimal مینیمال - کمینه - کهنه - اقل  
 Minimal polynomial کثیرالحملة مینیمال - کثیرالحملة کهنه  
 Minimax مینی‌ماکس  
 Minimax point نقطه زن‌اسمی  
 Minimax theory نظریه مینی‌ماکس  
 Minimization کهنه سازی  
 Minimize کهنه ساختن - مینیمم کردن - به حداقل رساندن  
 Minimum حداقل - کمینه - کهنه - مینیمم  
 Minimum element عنصر کمینه - عنصر کهنه  
 Minimum height حداقل ارتفاع  
 Minimum point نقطه حداقل  
 Minkowski's inequality نامساوی مینکوفسکی - اگر  $1 < p < \infty$

F و g توابع اندازه پذیر با قلمرو X و حوره معادله در [0, ∞) باشند، آنگاه :

$$\left( \int_X (f+g)^p d\mu \right)^{\frac{1}{p}} < \left( \int_X f^p d\mu \right)^{\frac{1}{p}} + \left( \int_X g^p d\mu \right)^{\frac{1}{p}}$$

Minor کهنه - اقصر - کوچکتر  
 Minorant پائین - مادون  
 Minor arc کمان کوچکتر - قوس اقصر  
 Minor axis محور اقصر - محور کوچکتر  
 Minor axis of an ellipse محورا اقصر بیضی  
 Minor determinant زیردترمینان - دترمینان جز  
 Minor of an element in a determinant کهنه یک عنصر در دترمینان - زیردترمینان یک عنصر  
 Minor of matrix زیر ماتریس - ماتریس جز  
 Minor Premise مفرای قضیه  
 Minor sector قطاع کوچکتر  
 Minor segment قطعه کوچکتر  
 Minuend کاهش یاب - مفروق منه  
 Minus منها - منفی  
 Minus infinity منهای بی نهایت  
 Minute دقیقه - یک شصت ساعت - یک شصت درجه  
 Miscalculate اشتباه محاسبه کردن  
 Miscalculation محاسبه غلط  
 Miscast اشتباه محاسبه کردن  
 Miscellaneous متفرقه - پراکنده  
 Miscellaneous problems مسائل متفرقه  
 Miscount بدشمردن - بدحساب کردن  
 Misprint اشتباه چاپی  
 Mistake اشتباه  
 Mix آمیختن - مخلوط کردن  
 Mixed مخلوط شده - آمیخته - مخلوط  
 Mixed decimal عدد اعشاری غیر صحیح  
 Mixed partial derivative مشتق جزئی مخلوط  
 Mixed partial derivatives of the second order مشتقات جزئی مخلوط مرتبه دوم  
 Mixed recurrent fraction کسر متناوب مرکب

Mixed recurring	متناوب مرکب	Moment	گشتاور
Mixture	مخلوط - آمیزه	Momental	گشتاوری
Mobile	متحرک - جسم متحرک - یویا	Moment of couple	گشتاور زوج نیرو
Mobility	تحرک - پویایی	Moment of inertia	گشتاور ماند
Mobius strip	نوار موبیوس	Momentum	اندازه حرکت
		Monic	تکین
Mobius' transformation	تبدیل موبیوس - تبدیل یکی به یکی بصورت	Monoaxial	تک محوری
	$w = \frac{az+b}{cz+d}$	Monochromatic	تکفام - تکرنگ
	که بین صفحات w و z تعریف می شود.	Monodirectional	یک جهتی - یک سوئی
Mode	طریقه - روش - طرز - نما ( در آمار )	Monoid	تکواره
Mode of a distribution	نمای یک توزیع	Monomial	یک جمله ای
Model	نمونه - قالب - مدل - طرح ریختن - ساختن - شکل دادن	Monomial expression	عبارت تک جمله ای
Modeling	نمونه سازی	Monotone	یکنواخت - یکنوا
Modern	نوین - جدید - مدرن	Monotonic	یکنواخت - یکنوا
Modern algebra	جبر نوین - جبر مدرن	Monotonic decreasing	نزولی یکنواخت
Modification	تعدیل - اصلاح - پیرایش	Monotonic decreasing quantity	کمیت نزولی یکنواخت
Modified Bessel function	تابع بسل تعدیل شده	Monotonic function	تابع یکنواخت - تابع یکسوا
Modifier	تعدیل کننده - اصلاح کننده - پیرایشنده	Monotonic increasing	صعودی یکنواخت
Modify	پیرایشن - اصلاح کردن - تعدیل کردن	Monotonicity	یکنواختی
Modular arithmetic	حساب هنگی - حساب هم بهتی	Monotonicity law	قانون یکنواختی
Module	مدول - سنج - هنگ	Monotonic sequence	دنباله یکنواخت
Modulo m	به سنج m	Monotony	یکنواختی
Modulus	قدر مطلق - ضریب تغییر واحد دستگاها	Month	ماه - یک دوازدهم سال خورشیدی
Modulus of a complex number	قدر مطلق یک عدد مختلط	Most	بیشترین
Modulus of elasticity	ضریب ارتجاع	Most probable value	محتمل ترین مقدار
Modulus of logarithms	ضریب تغییر پایه لگاریتمها	Moreover	بعلاوه
Modulus of rigidity	ضریب صلبیت	More thane	بیشتر از - بزرگتر از
Moiety	نصفه	Mortality	میراثی
		Motion	حرکت
		Motion in a circle	حرکت روی یک دایره
		Motion in a straight line	حرکت روی یک خط راست
		Motivation	محرک - انگیزه
		Mount	زیاد شدن - انباشتن
		Movable	قابل حرکت
		Move	حرکت کردن - حرکت دادن
		Movement	جنبش - حرکت - تغییر مکان

Moving	متحرک - در حال حرکت	Multiplicative property	خاصیت ضربی
Much	زیاد - بسیار	Multiplicative sequence	دنباله ضربی
Multi	پیشوندی به معنی چند	Multiplicity	چندگانگی - تعدد - تکرار
Multidimensional	چندبعدی	Multiplicity of a root of an equation	تکرار ریشه، یک معادله
Multiform	چندصورتی - چندشکلی	Multiplier	ضرب
Multiform function	تابع چندفرمولی - تابع چندسانی - تابعی که روی عوامل مختلف با فرمولهای متفاوتی تعریف میشود.	Multiply	ضرب کردن
Multilateral	چند وجهی - چند جنبه‌ای	Multiply by	ضرب کردن در - ضرب در
Multinomial	چند جمله‌ای - سجمله‌ای	Multiply connected	چند پارچه
Multinomial coefficients	ضرایب چند جمله‌ای	Multiply connected domain	ناحیه چند پارچه
Multinomial expression	عبارت چند جمله‌ای	Multipolar	چند قطبی
Multinomial theorem	قضیه چند جمله‌ای	Multistage	چند مرحله‌ای
Multiple	مهرب - چندگانه - چندلا مکرر - مضاعف	Multivalued	چند ارزشی - چند مقدار ی
Multiple integral	انتگرال چندگانه	Multivalued function	تابع چند ارزشی - تابع چند مقداری
Multiple point	نقطه، مضاعف - نقطه، مکرر	Multivariable differential calculus	حساب دیفرانسیل چند متغیره
Multiple Riemann integral	انتگرال چندگانه، ریمان	Multivariate	چند دردی - چند متغیره
Multiple root	ریشه، مکرر - ریشه، چندگانه - ریشه، مضاعف	Mutation	تغییر بزرگ - تغییر اساسی و چشمگیر
Multiple root of an equation	ریشه، چندگانه، یک معادله	Mutual	دوسره - متقابل - دوطرفه - مشترک - دوسویی
Multiple valued	چند مقداری - چند ارزشی	Mutuality	تقابل - دوسره بودن
Multiple valued function	تابع چند مقداری - تابع چند ارزشی	Mutually	مشترکاً - دوسره
Multiplicable	قابل ضرب - ضرب شدنی	Mutually disjoint	دوسره و مجزا
Multiplicand	مصروب	Mutually disjoint sets	مجموعه‌های دوسره و مجزا
Multiplication	ضرب	Mutually exclusive	مانعاً الجمع - دوسره
Multiplication factor	عامل ضرب - ضریب		ناسازگار
Multiplication of determinants	ضرب دترمینان ها	Mutually exclusive events	پیشامدهای دوسره و ناسازگار
Multiplication table	جدول ضرب	Myriad	پیشوندی به معنی ده هزار
Multiplicative	ضربی	Myriagram	ده هزار گرم
Multiplicative function	تابع ضربی	Myrialiter	ده هزار لیتر
Multiplicative group	گروه ضربی		
Multiplicative identity	عصوختی ضربی - همانی ضربی		
Multiplicative inverse	وارون ضربی - معکوس ضربی		

# N

N	چهاردهمین حرف الفبای انگلیسی
N	علامت مجموعه، اعداد طبیعی
Nadir	حضیض
Nano	پیشوندی بمعنی $10^{-9}$
Naperian logarithm	لگاریتم نپری
	لگاریتم طبیعی - لگاریتم دریایه $e = 2.718$
Napier's analogies	فرمول نپر - فرمولی برای حل مثلثهای کروی
Napier's bones	دستگاهی منسکله از یازده میله که برای محاسبات عددی بکار می رود.
Napier's rules	قوانین نپر (در مورد مثلث کروی قائم الزاویه)
Nappe	هر یک از دو مخروطی که در رأس مشترک اند
Narrow	باریک - کم عرض
Natural	طبیعی
Natural boundary	مرز طبیعی
Natural logarithm	لگاریتم طبیعی - لگاریتم نپری - لگاریتم درمیمای $e$
Natural numbers	اعداد طبیعی
Natural order	ترتیب طبیعی
Nature	ماهیت - طبیعت
Naught	هیچ - خطا
Nautical mile	میل دریائی - واحد طول انگلیسی برابر ۶۰۸۰ فوت یا ۱۸۵۲/۲ متر
N-dimensional	n بعدی
N-dimensional closed interval	فاصله بسته n بعدی

N-dimensional euclidean space	فضای اقلیدسی n بعدی
N-dimensional open interval	فاصله باز n بعدی
N-dimensional region	ناحیه n بعدی
N-dimensional space	فضای n بعدی
N-dimensional vector	برداری n بعدی
Necessarily	"لزوماً"
Necessary	لازم - ضروری - بایسته
Necessary and sufficient	لازم و کافی
Necessary and sufficient condition	شرط لازم و کافی
Necessary condition	شرط لازم
Necessary condition for convergence	شرط لازم برای همگرایی
Necessity	لزوم - بایستگی
Needle problem	مسئله بافون - مسئله سوزن
	بافون - احتمال آنکه سوزنی بطول $l$ که بطور اتفاقی روی یک صفحه کاغذی افند، یکی از دو خط موازی به فاصله $l > 2l$ را قطع کند $p = \frac{2l}{\pi a}$ است.
Negate	منفی کردن
Negation	منفی
Negation of a statement	منفی یک گزاره
Negative	منفی
Negative angle	زاویه منفی - زاویه‌ای که جهت آن خلاف جهت مثلثاتی است.
Negative exponent	توان منفی - قوه منفی -
	نمای منفی
Negative integer	عدد صحیح منفی
Negatively	بطور منفی
Negatively oriented	با جهت منفی
Negatively oriented path	مسیر با جهت منفی
Negativeness	کیفیت منفی بودن - منفیت
Negative numbers	اعداد منفی
Negative part	قسمت منفی
Negative quantity	کمیت منفی
Negative semi-definite matrix	ماتریس نیمه معین منفی

Negative variation      تغییر منفی  
 Negativity      کیفیت منفی بودن - منفیت  
 Neglect      صرف نظر کردن - اغماض کردن  
 Negligible      ناچیز - جزئی - قابل اغماض  
 Neighborhood      همسایگی  
 Neighborhood of a point      همسایگی یک نقطه  
 Neper      واحد لگاریتمی اندازه گیری شدت صوت  
 Nested intervals      فاصله های نودرتو  
 Net      ناب - روشن - خالص - شبکه  
 Net price      بهای خالص  
 Network      شبکه  
 Neumann's formula      فرمول نویمن  
 Neumann function      تابع نویمن  
 Neumann's law      قانون نویمن  
 Neumann's polynomials      چند جمله ای های نویمن  
 Neumann's problem      مسئله نویمن  
 Neumann's series      سلسله نویمن  
 Neumann triangle      مثلث نویمن  
 Neutral      خنثی - بی اثر  
 Neutral element      عضو خنثی - عضوی اثر  
 Neutral equilibrium      تعادل بی تفاوت  
 Never ending      بی پایان - لایتناهی  
 Nevertheless      با وجود این - معینا  
 Newton-cotes quadrature formulas      روابط انتگرال نیوتن - کتز  
 Newtonian mechanics      مکانیک نیوتنی - مکانیک کلاسیک  
 Newton's identity      اتحاد نیوتن  

$$(a+b)^n = \sum_{k=0}^n \binom{n}{k} a^k b^{n-k}$$
 Newton's law of cooling      قانون تبرید  
 نیوتن - میزان تبادل حرارت بین یک جسم و محیط اطراف آن با اختلاف درجه حرارت جسم و محیط نسبت مستقیم دارد.  
 Newton's trident      منحنی نمایش تغییرات تابع :  

$$xy = ax^2 + bx^2 + cx + d$$
 (a ≠ 0)  
 Next      متعاقب - بعد

N-factorial      تابع n که به استقرای بدین صورت تعریف میشود :

$$\binom{0}{n+1} = 1$$

$$\binom{n}{n+1} = (n+1)n!$$

$$n = 0, 1, 2, \dots$$

که در آن

N-gon

n ضلعی

Nil

پوچ - تهی

Nilpotent

پوچ توان - صفر توان

Nine

نه - ۹

Nine-point circle

دایره نه نقطه - دایره ای

که از اواسط اضلاع، پاهای سه ارتفاع، و اواسط قطعاتی از ارتفاعات که بین نقطه تقاطع آنها و رئوس متناظرشان از یک مثلث واقعند می گذرد.

Nodal

گره ای

Node

گره

Node of a curve

گره منحنی

Node point

گره

Noise - صدای نا مطلوب - اختلال در کانال ارتباطی - پارازیت -

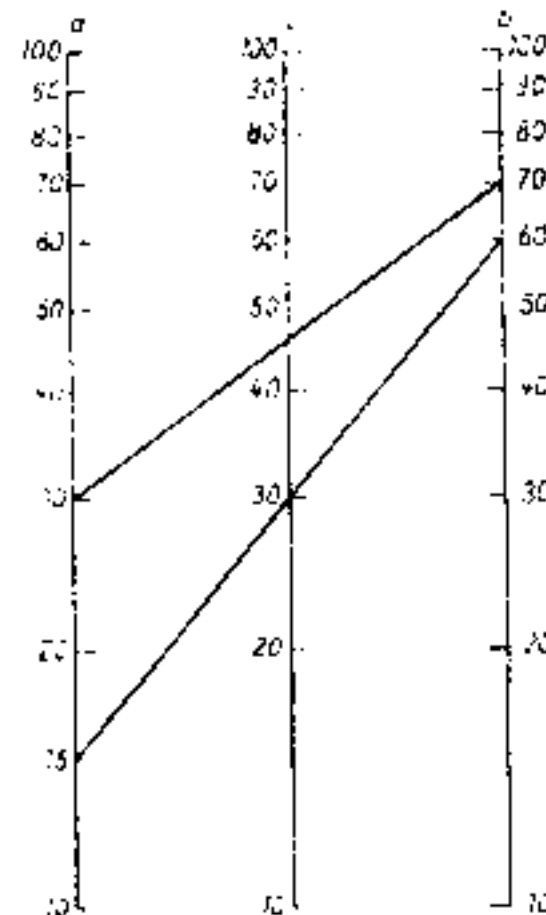
Nominal

اسمی - صوری

Nominal definition

تعریف صوری

Nomogram - نموداری که برای بدست آوردن مقدار یک متغیر وابسته به چند متغیر مستقل بکار می رود.



Nonagon

نه ضلعی

Non-asymptotic

غیر مجانبی

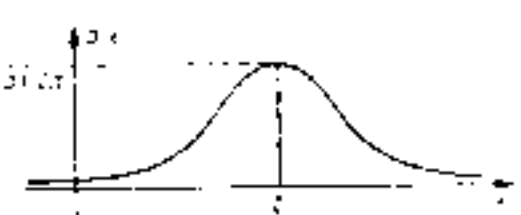
Non-associative

غیر شرکت پذیر



Non-collinear points	نقاط غیر واقع بر یک خط راست	Non-measurable set	مجموعه، اندازه ناپذیر - مجموعه، سنج ناپذیر
Non-commutative	غیر جابجایی	Non-metric	غیر طولی
Non-commutative matrices	ماتریسهای غیر جابجایی	Non-metric geometry	هندسه، غیر طولی
Non-comparable	غیر قابل مقایسه	Nonnegative	غیر منفی - نامنفی
Non-constant	غیر ثابت	Nonnegative function	تابع غیر منفی
Non-constructive method	روش غیر سازنده	Nonnegative numbers	اعداد غیر منفی
Non-decreasing	غیر نزولی	Non-parallel	غیر موازی - ناموازی
Non-degenerate	زوال ناپذیر	Non-periodic	نامتناوب - غیر متناوب غیر تناوبی
Non-degenerated	زوال ناپذیر	Non-positional	غیر موضعی
Non-denumerable	شمارش ناپذیر غیر قابل شمارش - ناشمارا	Non-positional notation	دستگاه عدد نویسی غیر موضعی
Non-denumerable set	مجموعه، غیر قابل شمارش - مجموعه، شمارش ناپذیر - مجموعه، ناشمارا	Non-positive numbers	اعداد غیر مثبت
Non-deterministic	نامعین	Non-radiative	غیر تشعشعی
Non-empty	غیر تهی - ناتهی	Non-random	غیر تصادفی
Non-empty set	مجموعه، ناتهی	Non-real	غیر حقیقی
Non-enumerable	شمارش ناپذیر	Non-real roots	ریشه‌های غیر حقیقی
Non-enumerable set	مجموعه، شمارش ناپذیر	Non-rectifiable curve	خم غیر قابل اصلاح - منحنی که طول آن در یک فاصله متناهی موجود نیست
Non-essential	غیر اساسی - غیر ضروری	Non-regular	نامنظم - بی‌قاعده
Non-Euclidean	غیر اقلیدسی - نا اقلیدسی	Non-removable	غیر قابل حذف
Non-Euclidean geometry	هندسه، نا اقلیدسی	Non-simple closed curve	منحنی بسته، غیر ساده - منحنی بسته‌ای که حداقل یکبار خودش را قطع می‌کند.
Non-Euclidean space	فضای نا اقلیدسی	Non-singular	غیر تکین
Non-existent	ناموجود	Non-singular matrix	ماتریس غیر تکین - ماتریس مربع را غیر تکین گوئیم اگر $\det A \neq 0$ باشد.
Non-homogeneous	نا همگن - غیر همگن	Non-singular transformation	تبدیل غیر تکین
Non-homogeneous equation	معادله، غیر همگن	Non-terminating	بی پایان - بدون پایان - بدون انتها
Non-homogeneous system	دستگاه غیر همگن	Non-trivial	غیر بدیهی - غیر مبتذل
Nonillion	نانیلیون - عدد $10^{30}$ در دستگاه امریکائی و $10^{54}$ در دستگاه انگلیسی	Non-trivial solution	جواب غیر بدیهی - جواب غیر مبتذل
Non-increasing	غیر صعودی	Non-uniformity	غیر یکنواختی - نامشکلی نامشکونی
Non-isolated	غیر منفرد - غیر تنه	Non-void	ناتهی - غیر تهی
Non-isomorphic	غیر ایزومرف - غیر یکسان	Non-zero	غیر صفر
Non-linear	غیر خطی		
Non-linear programming	برنامه ریزی غیر خطی		
Non-linear system	دستگاه غیر خطی		
Non-mathematical	غیر ریاضی		
Non-measurable	اندازه ناپذیر - سنج ناپذیر		

Norm نرم - هنج - طول  
 Norma فاعده - مدل - استاندارد  
 Normal برمال - قائم - هنجاری - معمولی - طبیعی  
 Normal acceleration شتاب قائم  
 Normal component مؤلفه قائم  
 Normal curvature of a surface انحناى برمال سطح  
 Normal distribution توزیع برمال - توزیع  

$$y = \frac{1}{\sqrt{2\pi}} e^{-\frac{x^2}{2}}$$
 Normal distribution curve منحنی توزیع برمال  
  
 Normal equation معادله متعارف  
 Normal equation of a straight line معادله متعارف خط راست  

$$x \cos \alpha + y \sin \alpha - p = 0$$
 که در آن p فاصله مبدأ از خط و  $\alpha$  زاویه خط با جهت مثبت محور x می باشد.  
 Normal form صورت متعارف  
 Normal form of an equation صورت متعارف یک معادله  
 Normalized نرمال شده  
 Normalizer نرمال کننده  
 Normal force نیروی قائم  
 Normal line خط قائم  
 Normal plane صفحه قائم - صفحه‌ای مانند p که از نقطه M واقع بر منحنی L گذشته و بر خط مماس بر منحنی در این نقطه عمود باشد صفحه قائم بر منحنی L نامیده می شود.  
 Normal projection تصویر قائم  
 Normal reaction- عکس العمل عادی - عکس العمل طبیعی  
 Normal subgroup زیرگروه نرمال  
 Normal to a curve قائم بر منحنی

قائم بر صفحه  
 قائم بر یک سطح  
 بردار قائم  
 دارای نرم - نرم دار - هنجدار  
 فضای نرم دار - فضای هنج دار  
 فضای برداری نرم دار - فضای برداری هنج دار  
 نرم ماتریس - منظور از نرم ماتریس  $A = [a_{ij}]$  عددی حقیقی مانند  $\|A\|$  است بطوریکه:  
 (a)  $\|A\| \geq 0, \|A\| = 0$  اگر و تنها اگر  $A=0$   
 (b)  $\|\alpha A\| = |\alpha| \|A\|$  (اگر  $\alpha$  اسکالر است)  
 و در حالت خاص  $\|-A\| = \|A\|$   
 (c)  $\|A+B\| \leq \|A\| + \|B\|$   
 (d)  $\|AB\| \leq \|A\| \cdot \|B\|$   
 و A و B ماتریسهائی هستند که اعمال مربوطه در مورد آنها قابل تعریف است.  
 نرم یک بردار - طول یک بردار  
 North pole قطب شمال  
 Notate نشان دادن - نمایش دادن  
 Notation نمایش - علامت گذاری - نماد  
 Note توجه کردن - توجه  
 Not equal to نامساوی با  
 Nothing هیچ  
 Notion پنداره - تصور - ادراک  
 Nought هیچ - خطا  
 Nth nام - nامین  
 Nth-coordinate مختص nام - مؤلفه nام  
 Nth derivative مشتق مرتبه nام - مشتق nام  
 Nth factor عامل nام  
 Nth iterate تکرار nام  
 Nth partial product حاصل ضرب جزئی nام  
 Nth partial sum مجموع جزئی nام  
 Nth power توان nام  
 Nth root ریشه nام

Nth root of unity	ریشه n ام واحد - ریشه	Numerator	صورت کسر
	n ام یک به عنوان یک عدد مختلط - هریک	Numerical	عددی
	از ریشه های معادله $x^n - 1 = 0$ در هیئت	Numerical analysis	آنالیز عددی - تجزیه و تحلیل عددی
	اعداد مختلط که عبارتند از:	Numerical coefficients	ضرایب عددی
	$e_k = \cos \frac{\sqrt{k}\pi}{n} + i \sin \frac{\sqrt{k}\pi}{n} \quad 0 \leq k \leq n-1$	Numerical determinant	دترمینان عددی
Nth term	جمله n ام	Numerically	بطور عددی
N-tuple	n تایی - n گانه	Numerical methods	روشهای عددی
Null	هیچ - نه	Numerical scale	مقیاس عددی
Null	پوچ - تهی - صفر - باطل - هیچ - نابود	Numerical sequence	دنباله عددی
Null circle	دایره صفر - دایره ای با شعاع صفر	Numerical value	مقدار عددی
Null element	عنصر صفر - عنصر پوچ	Numerous	متعدد - زیاد - بی شمار
Nullity	درجه پوچی - بعد فضای پوچ		
Null matrix	ماتریس پوچ		
Null sequence	دنباله صفر - دنباله ای که حد آن صفر است.		
Null set	مجموعه تهی		
Null space	فضای پوچ - هسته - مجموعه بردار - هائی که تحت تبدیل خطی T به بردار صفر نسبت داده می شوند.		
Null vector	بردار صفر		
Number	عدد - شمار - شماره - شماره گذاری کردن		
Number axis	محور اعداد		
Number field	میدان اعداد - هیئت اعداد		
Numbering	شماره گذاری		
Numberless	بی شمار		
Number sieve	غربال اعداد - غربال اراتسن		
Number system	دستگاه اعداد		
Number-theoretic	نظریه اعدادی - مسوب به نظریه اعداد		
Number-theoretical functions	نوابح حسابی نوابعی که مجموعه اعداد طبیعی را به توی خودش تصویر می کنند.		
Number theory	تئوری اعداد - نظریه اعداد		
Numerable	قابل شمارش - شمارش پذیر		
Numeral	عددی - عدد		
Numeral system	سیستم عدد نویسی - دستگاه شمار		
Numerate	شمردن - حساب کردن - به شمار آوردن		
Numeration	شمار - شمارش - احتساب		